

چاره ی کارگران
وحدت
و
تشکیلات
است!

همبستگی کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان
h.karegary@gmail.com



کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

شماره نهم فروردین 89

سر مقاله

کارگران جهان متحد شوید! یک صف شویم

بدون سرنگونی نظام سرمایه داری اسلامی حاکم ،
هرگز هیچ کدام از کارگران ، معلمان ، زنان ، دانشجویان ،
دانش آموزان و ... به خواسته های خود نخواهند رسید. بیاید
در روز 11 اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر
برای نبرد با جمهوری فاشیستی - اسلامی به صفوف
کارگران بپیوندیم.

ادامه در صفحه 2

- 1- سر مقاله - یک صف شویم
- 2- چه باید کرد ؟
- 3- اشعار گلبرخی
- 4- سربلند: قهر انقلابی چگونه و چ وقت ؟
- 5- در ضرورت تبلیغات سیاسی (قسمت دوم)
- 6- نامه از یک خانواده تیر باران شده
- 7- بهمن: چرا باید رژیم اسلامی سقوط نکند ؟
- 8- اخبار
- 9- نامه ای از یک رفیق
- 10- درسهای از اعتراضات سال 88
- 11- سرمایه داری و ...
- 12- لیست کمک های مالی

با ارایه کمک های مالی نشریه خود را تقویت کنید

چرا سرنگونی جمهوری اسلامی ضرورت دارد؟؟ چون :



پیش بسوی انقلاب

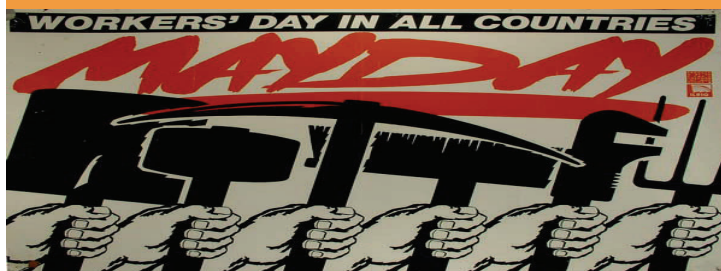
کارگران، زنان ، معلمان ، دانشجویان و دانش آموزان :

با ایجاد کمیته ها و هسته های مخفی در کارخانه ها ، محلات ،
دانشگاه ها ، مدارس و اداره ها اعتراضات را گسترش داده و با
سازمانیافتگی هرچه قویتر خود را برای تشکیل حزب طبقه کارگر
و نابودی جمهوری اسلامی - فاشیستی و برقراری جمهوری
شورایی - سوسیالیستی کارگران آماده کنیم.

پیش بسوی برگزاری هرچه باشکوه تر
روز جهانی کارگر (11 اردیبهشت)

کارگران ؛ باتشکیل اتحادیه و سندیکاهایی خود، سنگری درمقابل بهره کشی و استبداد سرمایه داران به پا کنیم.

اول ماه می
گرامی باد



1می (11 اردیبهشت) روز کارگر بر تمامی کارگران و زحمتکشان

گرامی باد.

کارگران جهان متحد شوید!

یک صف شویم

در روز جهانی کارگر

برای مبارزه با جمهوری فاشیستی – اسلامی سرمایه داری

بدون سرنگونی نظام سرمایه داری اسلامی حاکم ، هرگز هیچ کدام از کارگران ، معلمان ، زنان ، دانشجویان ، دانش آموزان و... به خواسته های خود نخواهند رسید.

جوانان ، زنان ، معلمان ، دانشجویان ، دانش آموزان و مردم انقلابی :

بیاید در روز 11 اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر برای نبرد با جمهوری فاشیستی – اسلامی به صفوف کارگران بپیوندیم.

کارگران ایران هم گام با کارگران جهان همه ساله تحت شرایط سخت و پلیسی اول ماه می (11 اردیبهشت) روز جهانی کارگردست به اعتراض می زنند. امسال نیز تشکلهای فعالان کارگری و کارگران انقلابی برای احقاق حقوق عمومی و خصوصی خود به میدان خواهند آمد، ما نیز به صفوف فشرده کارگران خواهیم پیوست و

از تمامی جوانان، زنان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان و مردم انقلابی می خواهیم دست به دست برای کسب مطالبات مشترک همچون آزادی، دموکراسی، آزادی زندانیان سیاسی، مقابله با دستگیری، شکنجه، محاکمه و زندان، لغو احکام اعدام، مقابله با قراردادهای موقت و سفید امضاء، مقابله با حذف یارانه ها و گرانی سوخت، مایحتاج عمومی و همچنین برای بدست آوردن دستمزد های متناسب با هزینه های زندگی و بالاتر از خط فقر، مبارزه با اخراج ها و پاک سازی ها، مقابله با ستاره دارشدن، بدست آوردن حق تعیین سرنوشت ملل، نوشتن قانون کار توسط نمایندگان واقعی کارگران، مبارزه با دزدی ها و غارت و چپاول اموال عمومی توسط سران جمهوری اسلامی و... و برای نبرد با جمهوری فاشیستی – اسلامی و سرنگونی این غده سرطان سرمایه داری **یک صف شویم.**

ما برای تداوم و ارتقاء اعتراضات توده ای کارگران و مردم در روز جهانی کارگر 11 اردیبهشت با شعارهای مستقل خود به خیابان آمده خواستار مبارزه علیه جمهوری فاشیستی اسلامی سرمایه داری و سرنگونی نظام طبقاتی خواهیم شد. ما دوشا دوش کارگران و تمامی مردم رزمنده محل کار و زندگی، خیابانها و میداین مهم شهر ها را میدان رزم

خود قرار خواهیم داد و بر علیه دشمن طبقاتی، علیه نظام فاشیستی قرون وسطایی و علیه سرمایه داری که عامل ستم و تبعیض طبقاتی، حاکمیت و تداوم نظام اسلامی و هر گونه نا عدالتی است مبارزه خواهیم کرد. همچنین برای ساختن تشکلهای واقعی کارگری، کسب آزادی و دموکراسی مستقیم و گسترده، جهت کسب زندگی انسانی برای تمامی مردم مبارزه می کنیم. می دانیم برای بدست آوردن خواسته های خود و پیروزی کارگران و تمامی مردم انقلابی در مقابل نظام فاشیستی اسلامی و سرمایه داری راهی جز مبارزه انقلابی وجود ندارد و **انقلاب کار توده هاست** که فقط با مبارزه تشکیلاتی امکان پذیر می گردد. بنابراین از تمامی کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان، دانش آموزان و جوانان انقلابی می خواهیم در جهت تشکلیابی و ارتقاء مبارزه تا سرنگونی نظام حاکم و نظام طبقاتی اقدام به تشکیل هسته ها و کمیته های مخفی انقلابی، حزب طبقه کارگر، اتحادیه های کارگری، سندیکا ها و... بکنند. هر کدام از ما می توانیم با رفیق مورد اعتماد خود یک هسته در کارخانه، محل زندگی یا دانشگاه و مدرسه یا ادراه تشکیل داده شروع به مبارزه و ترویج و تبلیغ و سازمانگری در میان توده ها کنیم که نطفه اولیه مبارزه تشکیلاتی خواهد بود.

رفقا :

کارخانه ها ،خیابانها ، میادین ، پارک ها و هر نقطه ای از شهر، میدان رزم ما علیه نظام سرمایه داری حاکم است.

رفقا :

کارگران، دانشجویان ، دانش آموزان ، زنان ، معلمان و مردم انقلابی از همین امروز با دعوت از رفیق مورد اعتماد خود اقدام به تشکیل هسته خود بکنیم. در جلسات هسته خود موارد نیاز مبارزه را به بحث گذاشته و تقسیم کار کرده برای اولین قدم از کارگران و مردم اطراف خود جهت شرکت در اعتراضات روز کارگر دعوت به عمل بیاوریم. هر هسته می تواند با در نظر گرفتن موارد امنیتی تراکت های کوچکی نوشته میان مردم حوزه عملیاتی خود توزیع کند و از آنها دعوت به شرکت در اعتراضات و مبارزه یک پارچه و سراسری در روز کارگر بکند. هسته های مخفی انقلابی می توانند در تراکت ها ضمن نوشتن شعار های خود مردم را جهت

اعتراض و گسترش و ارتفاع مبارزه به خیابان و میدان مهم و مرکزی یا پارک نزدیک حوزه عملیاتی خود فرا بخواند. **وعده ما در تمامی کارخانه ها، خیابانها و پارک ها در تمامی شهر ها.** نیرو های سرکوبگر نظام سرمایه داری حاکم را پراکنده کرده و زمین را زیر پایشان به لرزه در بیاوریم.

برنامه حداقلی ما جهت حرکت به سوی سوسیالیسم

- 1- برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک بدون دخالت ارگانهای رژیم ارتجاعی با نظارت مستقیم نمایندگان مردم..
- 2- آزادی فوری دستگیر شدگان اخیر و کلیه زندانیان سیاسی و ممنوعیت تعقیب و زندانی کردن انسانها به اتهام فعالیت سیاسی ، اندیشه و افکار متفاوت.
- 3- مصادره اموال غارت شده توسط غارتگران بنفع عموم مردم و حاکمیت و کنترل کلیه امور اقتصادی (در عرصه تولید و توزیع) و سیاسی توسط شوراهای و اتحادیه های کارگران، زحمتکشان و کارمندان.
- 4- محاکمه و مجازات آمرین و عاملین کشتار، اعدام و زندانی کردن مردم و انقلابیون ، از جمله روسای قوه قضاییه و قوه های دیگر، فرماندهان نیروی انتظامی و لباس شخصیها و انحلال سپاه ، بسیج ،

وزارت اطلاعات و محاکمه و مجازات فرماندهان عالی رتبه آنها.

5- خلع سلاح نهاد ها و ارگانهای فاشیستی -نظامی و تسلیح عمومی مردم

6- اعلام رسمی جدایی دین از سیاست و آزاد سازی آموزش و پرورش ،دانشگاهها،ادرات و تمامی انسانها واماکن عمومی ازسلطه دین و انحلال تمامی ارگانهای دیکتاتوری،گزینشی وسانسورازجمله شورای نگهبان، نهاد رهبری،خبرگان ،تشخیص مصلحت ،وزارت ارشادولغو تمامی قوانین ارتجاعی و ممنوعیت تقنین عقاید.

7- توقف کامل خصوصی سازی ، جلوگیری از حذف یارانه ها ، برقراری تامین اجتماعی برای تمامی سنین ورایگان شدن آموزش و پرورش ، دانشگاهها در تمامی سطوح ، خدمات عمومی و بهداشت و درمان.

8- بر چیده شدن قراردادهای موقت و برقراری استخدام دائم و بازگشت به کار تمامی اخراج شده ها و تدوین قانون کار توسط نمایندگان مستقیم کارگران و زحمتکشان.

9- به رسمیت شناخته شدن برابری زن و مرد در تمامی عرصه های اجتماعی و خصوصی و آزادی زنان در انتخاب پوشش .

10- آزادی کامل تمامی ملل تحت ستم جهت تعیین سرنوشت خود تا حد جدایی.

11- آزادی اندیشه ، قلم ، بیان، تجمع، تشکل، احزاب،اعتصاب، راه پیمایی و تظاهرات.

12- ازسپاهی ، بسیجی و تمامی پرسنل نظامی که دستشان به خون مردم آلوده نشده است می خواهیم ارگانهای نظامی را رها کرده به مردم بپیوندند.

سر نگون باد جمهوری فاشیستی – اسلامی

سر نگون باد نظام سرمایه داری

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی شورایی کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

جبهه واحد کارگری

28/1/1389



چه باید کرد؟

با تشدید بحران اقتصادی ساختاری نظام سرمایه داری ایران هرچه بیشتر در ورطه ورشکستگی و نابودی قرار می گیرد. آمار تشدید بیکاری تا سطح 1.5 میلیون از 24.5 میلیون نیروی کار کشور، گرانی سرسام آور تمامی مایحتاج عمومی مردم، رکود کامل تمامی عرصه های تولیدی کشور، کسری 40 میلیاردی بودجه کشور و ... همه و همه نشان از بن بست کامل حکومت اسلامی و شمارش معکوس برای مرگ محترم آن می باشد. اعتلای انقلابی توده ای بر آورد حاصل از بحران سیاسی و اوج گیری اختلاف درونی حکومت اسلامی در برخورد با دیوار استبداد فاشیسم حاکم سپاه -خامنه ای و رادیکالیزه شدن اعتراضات از سطح رفرم و اصلاحات سطحی (رای منو پس بده) به سرنگونی کامل حکومت اسلامی (اصل ولایت فقیه) رسیده است. صف انقلاب و ضد انقلاب روشن تر و واضح تر شده لیبرال های درون و بیرون که ظاهراً در دور قبل رهبری اقشار خورده بورژوازی جدید و تکنوکراتها و بخشی از کارگران را در دست داشتند. اینبار در وحشت از رادیکالیزه شدن و کارگری شدن انقلاب دوباره با تمامی سرعت به آغوش رهبر جلاد و آدمکش خود برگشته و فرار را برقرار ترجیح دادند. و برای هزارمین بار ثابت کردند جایگاه واقعی آنان زیر اعبای ولی امرشان است. آنان بوی انقلاب را استشمام کرده اند. از طرف دیگر با جا خالی کردن رانده شده گان اسلامی (موسوی و کروبی) از رهبری حرکات اعتراضی و پوپولیستی و توده ای این جنبش به طرف سرازیر شدن طبقاتی و رانده شدن هر چه بیشتر بخش های بزرگی از خورده بورژواها از زیر توهم و

عوامفریبی لیبرالها به سمت طبقه کارگر پیش می رود. طبقه 12.5 ملیونی با احتساب خانواده های شان (45 میلیونی) کارگران در عین شرکت انفرادی در این کشمکش های توده ای اما از روی شرم و تجربه طبقاتی متاسفانه نه از روی آگاهی طبقاتی رغبت چندانی به شرکت وسیع در این حرکات اعتراضی نشان ندادند. علت را باید در تجربه تلخ انقلاب 57 در آلت دست قرار گرفتن در دست فاشیست های حاکم ارزیابی کرد و این درس تمامی انقلابات کارگری در کشور های سرمایه داری میباشد که طبقه کارگر تا زمانی که به عنوان نیروی اصلی سرنگونی نظام سرمایه داری و پایه اصلی حکومت شورایی سوسیالیستی در حزب مستقل و سیاسی خود به عنوان سرکرده تمام اپوزیسیون ضد فاشیست های حاکم متشکل نشود حتی اگر انقلابی به بزرگی انقلاب 57 نیز صورت بگیرد باز هم به دنباله رو و زانده نیروهای سرمایه داری تبدیل شده و از انقلاب پیش روی باز خواهد ماند. چرا که بدون در هم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری (سپاه و بسیج و اطلاعات و ...) و بدون حاکمیت شورایی مسلح کارگران، سربازان و زحمتکشان نمی توان نظام سرمایه داری به زباله دانی تاریخ سپرد. و نمی توان صحبت از آزادی، برابری و عدالت اجتماعی نمود. چیزی که قیام شکوهمند 57 آنرا اثبات کرد طبقه کارگر که در قیام 57 تیر خلاص را با بستن شیرهای نفت به رژیم پهلوی زد (کارگر نفت ما، دلیر سرسخت ما) و 160 شورای کنترل تولید را به وجود آورد. اما در نبود حزب سیاسی خود به عنوان تنها ضامن قدرت و منافع طبقاتی آن براحته به دست فاشیسم اسلامی به عنوان دست پخت سرمایه داری جهانی که در جزیره گودالوپ برایش تدارک دیده بودند فریب خورد و با فرمان خمینی

جلاد در 23 بهمن اسلحه ها را تحویل دادند. به قول چه گورا بزرگترین تیر خلاص را بر خودش زد. شورا های کنترل کارگری که پایه های حکومت کارگری بودند به شورا های اسلامی و به ارگان های سرکوب مردم تبدیل شدند. تمامی سیستم ارتش و سازمان امنیت شاهنشاهی دوباره در قالب بسیج و سپاه به کار افتاده و در اولین فرصت مردم کردستان، ترکمن صحرا و ... را به خون کشیدند. در دوره جدید با پایان تاریخ انقضاء حکومت اسلامی سرمایه داری داخلی و جهانی سناریوی دیگری را نوشتند که پرده به پرده نسبت به درجه آگاهی و حرکت انقلابی کارگران و زحمت کشان باید اجرا بشود.

(1) باید عیناً همانند زمان شاه انقلاب را در چهار چوب همین حکومت به نام جنبش سبز نگاه داشت در زمان شاه با دستگیری از هاری، هویدا و سپس نخست وزیر بختیاری می خواستند این کار را انجام بدهند.

(2) طرح حکومت اسلامی بدون ولایت فقیه یعنی جمهوری لیبرال های کاسه لیس حکومت های شاه و خمینی.

(3) اگر انقلاب از این حد هم بالا رفت جمهوری سکولار و لائیک سوسیال دمکراتهای وطنی و بخشی از لیبرال ها، بدین منظور اگر خمینی را به کره ماه بردند و به نام مبارزه ضد امپریالیستی و حکومت اسلامی انقلاب 57 را خفه کردند. این بار به نام دمکراسی و آزادی و حکومت لائیک می خواهند انقلاب آینده را به بیراهه ببرند. سرمایه داران داخلی- جهانی و آمریکا و انگلیس با تمام قدرت با تبلیغات 24 ساعته سعی در جا انداختن گزینه های خود هستند. و خوب می دانند عین سال 57 انقلاب آینده حتمی است و اینکه فاشیست های حاکم مانند شاه رفتنی هستند. به طوریکه اموال و پولهای خود را به سرعت از کشور

خارج میکنند. طبقه 45 میلیونی کارگران به عنوان نیروی اصلی نابودی حکومت فاشیستی و پایه اصلی حکومت شورایی سوسیالیستی باید با تمام قدرت در جهت تشکیل حزب سیاسی طبقه کارگر به عنوان ستاد رزمنده خود بر اساس منافع مستقل خود حرکت کنند. بدون چنین تشکیلات سراسری سیاسی که کارگران را در سنگر انقلاب کارگری متحد و یک پارچه سازد نه از نابودی ریشه ای نظام سرمایه داری خبری خواهد بود نه از آزادی و برابری و نه از عدالت اجتماعی. پس تمامی محافل

کارگری بر اساس اعتقاد به اولین اصل مارکسیسم، رهایی کارگران به دست خودشان و نیز لزوم اتصال آگاهی برنامه سوسیالیستی به میان آنان با تمامی قوا در جهت ساختن تشکیلات پولادین کارگری در جهت ساختن حزب سیاسی کارگران تمام نیروی خود را به کار گیرند. به طوریکه ما در سرمقاله شماره قبل گفتیم زمینه عینی کاری توافق روی پلاتفرم انقلابی و دادن نشریه سراسری برای کل کشور میباشد. که در عین رسیدن به ساختارهای ایدئولوژیک و تشکیلاتی محکم کلیه

نیروهای سوسیالیستی را در جهت پیوند با مبارزه طبقاتی کارگران بسیج می کند. به قول لنین تمام نیروها را بر محور هدف مشترک عینی همانند زنجیر به هم وصل می کند که این نشریه نه تنها نقش مبلغ و مروج بلکه نقش سازمانگر نیز خواهد داشت. و به مبارزه کارگران جنبه سیاسی و سراسری داده و به تمام معنی جنبش سرخ را براه خواهد انداخت که نه تنها حکومت رو به زوال اسلامی حتی سرمایه داری جهانی نیز جلودار آن نخواهد بود.



سرخ تر،
سرخ تر از بابک باش

روح بابک در تو
در من هست
مهراس از خون یارانت ، زرد مشو
پنجه در خون زن و بر چهره بکش
مثل بابک باش
نه

سرخ تر ؛ سرخ تر از بابک باش
دشمن

گرچه خون می ریزد
ولی از جوشش خون می ترسد
مثل خون باش
بجوش

شهر باید یکسر

بابکستان بگردد

تا که دشمن در خون غرق شود

وین خراب آباد

از جغد شود پاک و

گلستان گردد

صبح

دگر صبح است و پایان شب تار است

دگر صبح است و بیداری سزاوار

است

دگر خورشید از پشت بلندی ها

نمودار است

دگر صبح است

دگر از سوز و سرمای شب تاریک ،

تن هامان نمی لرزد

دگر افسرده طفل پابرهنه ، از زبان ما

در شب ها نمی ترسد

دگر شمع امید ما چو خورشیدی

نمایان است

دگر صبح است

کنون شب زنده داران صبح گردیده

نخوابید، جنگ در پیش است

کنون ای رهروان حق، شب تاریک

معدوم است

سفیدی حکم و در دادگاهش هر

سیاهی خرد و محکوم است

کنون باید برخیزیم و خون دشمن تا

پای جان ریزیم

دگر وقت قیام است ، قیامی بر علیه

دشمنان است

سزای حق کشان در چوبه ی دار

است

و ما باید که برخیزیم

دگر صبح است

چنان کاوه درفش کاویانی را به روی

دوش اندازیم

جهان ظلم را از ریشه سوزانده ، جهان

دیگری سازیم

دگر صبح است

دگر صبح است ، مردم را اکنون

برخاستن شاید

نهال دشمنان را تیغ ها باید

که از بن بشکند ، نابودشان سازد

اگر گرگی نظر دارد که میشی را

بیازارد

قوی چوپان بیاید نیش او ببندد

اگر غفلت کند او خود گنه کار است

دگر صبح است

دگر هر شخص بیکاری در این دنیای

ما خوار است

و این افسردگی، ناراحتی ، عار است

دگر صبح است و ما باید برافروزیم

آتش را

بسوزانیم دشمن را

که شاید همراه دودش رود بر آسمان

شیطان

و یا همراه بادی او شود دور از زمین

ها

دگر صبح است

دگر روز تبه کاران به مثل نیمه شب

تار است

تساوی

معلم پای تخته داد می زد

صورتش از خشم گلگون بود

و دستانش به زیر پوششی از گرد

پنهان بود

ولی آخر کلاسی ها

لواشک بین خود تقسیم می کردند

وان یکی در گوشه دیگر جوانان را

ورق می زد

برای آنکه بی خودی های و هوی می

کردو با آن شور بی پایان

تساوی های جبری را نشان می داد

خطی خوانا به روی تخته ای کز

ظلمتی تاریک

غمگین بود

تساوی را چنین بنوشت

یک با یک برابر هست

از میان جمع شاگردان یکی برخاست

همیشه یک نفر باید بپا خیزد

به آرامی سخن سر داد

تساوی اشتباهی فاحش و محض است

معلم

مات بر جا ماند

و او پرسید

گر یک فرد انسان واحد یک بود آیا

باز

یک با یک برابر بود

سکوت مدهوشی بود و سوالی سخت

معلم خشمگین فریاد زد

آری برابر بود

و او با پوزخندی گفت

اگر یک فرد انسان واحد یک بود

آن که زور و زر به دامن داشت بالا

بود

و آن که قلبی پاک و دستی فاقد زر

داشت

پایین بود

وان سیه چرده که می نالید

پایین بود

اگر یک فرد انسان واحد یک بود

این تساوی زیر و رو می شد

حال می پرسم اگر یک با یک برابر

بود

نان و مال مفت خواران

از کجا آماده می گردید؟

یا چه کسی دیوار چین ها را بنا می

کرد؟

یک اگر با یک برابر بود

پس که پشتش زیر بار فقر خم می

شد؟

یا که زیر ضربت شلاق له می گشت؟

یک اگر با یک برابر بود

پس چه کس آزادگان را در قفس می

کرد؟

معلم ناله آسا گفت

بچه ها در جزوه های خویش بنویسید

یک با یک برابر نیست

سربلند: قهر انقلابی چگونه و چه وقت؟

تقریباً تمامی کمونیست‌هایی که خود را مارکسیست لنینیست می‌دانند به انقلاب به شیوه قهر آمیز، یعنی مسلحانه اعتقاد دارند. هرچند این اعتقاد در فرازونشیب‌های سیاست‌های جهانی و فشارهای امپریالیست‌ها گاهی رنگ می‌بازد و به اشکال محافظه کارانه ای ادا می‌شود، اما به هر حال کسی که خود را کمونیست می‌نامد (نه سوسیالیست) نمی‌تواند به صراحت ضرورت "جنگ مسلحانه" را منکر شود.

اما سوال مهم اینجاست که "جنگ مسلحانه چگونه و چه وقت؟". برای پاسخ دادن به این پرسش باید تعریفی مجدد از قهر انقلابی داد. باید ببینیم با قهر چه مسئله ای را می‌خواهیم حل کنیم و جنگ مسلحانه در انتها در خدمت چه هدفی قرار خواهد داشت؟. کمااینکه می‌بینیم جریان‌ات ضد پرولتری مانند مجاهدین و بخش‌های زیادی از سلطنت طلبان نه تنها جنگ مسلحانه را قبول دارند بلکه در مقاطعی هم در مقابل جمهوری اسلامی به آن عمل کردند. بنابراین تنها اعتقاد داشتن به قهر مسلحانه کافی نیست و باید دید که اندیشه پشت اسلحه در خدمت چه هدفی قرار دارد. اینجاست که تعریف مجدد قیام مسلحانه ضروری می‌شود.

بقول مارکس در طول تاریخ مبارزات بشر هرگز هیچ حکومت

مستبدی بدون قهر انقلابی بزیر کشیده نشد. اصولاً قدرتهای استثمارگر انقدر از جایگاهی که در آن قرار دارند منافع خواهند داشت که به هیچ روشی جز روش زور به پایین کشیده نشوند. در حقیقت "زور و قدرت اسلحه" انتخاب طبقه زحمتکش نبوده بلکه استفاده از آن بواسطه تقابل منافی که طبقات دارند بر او تحمیل شده. هرچند بورژوازی از طریق ماشینهای تبلیغاتی خود مرتب در تلاش حقنه این دروغ بزرگ است که می‌توان با استفاده از روشهای مسالمت آمیز، پارلمانتاریسم و رفتن پای صندوق های رای به شیوه متمدنانه ای به حقوق خود رسید. ولی واقعیت تاریخی همواره بر این تاکید داشت که طبقه زحمتکش هیچ زمان نتوانست از طریق روشهای مسالمت آمیز به حق خود برسد. انتخاباتها و صندوق های رای در هیچ شکلش منافع زحمتکشان را تامین نکرده و نمی‌کند بلکه تمامی آنها مجموعه ای از ترفندها و توافقات پشت پرده سرمایه داری است که با توسل به آن بتواند دوره تازه ای به استثمار زحمتکشان ادامه دهد.

برای اینکه درک بهتری از روشهای قهر آمیز در به سرانجام رسانیدن انقلاب داشته باشیم باید رجوع کنیم به تجربه های تاریخی جنبش بخصوص در شوروی و چین.

انقلاب اکتبر با شورش مسلحانه

بلشویک ها به سرانجام رسید اما نکته ظریف اینجاست که اسلحه ها زمانی بکار افتاد که حکومت سقوط کرده بود! درواقع قدرت مسلحانه پس از سرنگونی حکومت و در دفاع از انقلاب بود که به کار گرفته شد. اما چرا اینطور شد؟ چون که کمونیستها قبل از اسلحه با بینش و تفکر خود جامعه را تسخیر کرده بودند. کل کشور در دست کمونیستها بود و دولت عروسک بی اراده ای بیش نبود و دولت اصلی در درون شوراهای کارگران و دهقانان بود که بر کشور حکمفرمایی می‌کرد. قبل از اینکه گلوله بلشویک ها سینه حکومت را نشانه بگیرد اندیشه و تفکرشان بود که به هدف اصابت کرده بود. به همین خاطر در ده روز آخر حکومت بورژوازی در روسیه کماکان بحث "شروع جنگ آری یا خیر؟" در میان بلشویکها رایج بود. آنها چرا این بحث را می‌کردند؟ چون که می‌خواستند زمانی اسلحه را بیرون بکشند که بدون تردید حرف آخر را بزنند. با این اوصاف اینکه جنگ مسلحانه چه زمانی باید شروع شود از نکات مهمی است که باید به آن دقت داشت که در صورت عدم دقت به این مهم و عدم تحلیل درست از شرایط انقلابی می‌تواند نه تنها نتیجه معکوس ببار بیاورد، بلکه سبب نابودی جنبش شود.

در چین هم مائو تسه تونگ تجربیات بسیار ارزشمندی در زمینه چگونگی

پیشبرد جنگ داشت. او هم قبل از رسیدن ارتش خلق به هر محلی ابتدا آنجا را از نظر سیاسی تصرف می کرد. مائو بخوبی می دانست که قدرت اسلحه به تنهایی قادر نیست چیزی را عوض کند بلکه قدرت اتشین سیاسی کمونیستهاست که می تواند رهگیری گلوله های سربی شان را داشته باشد. مائو با شناخت دقیق از فرهنگ و روحیات ملتش توانست عظیمترین جنگ مسلحانه که بمدت سی سال بطول کشید را رهبری کند. جنگی که در هر مرحله اش درسهای گرانبها داشت که هرچه از آن بخوانیم باز هم کم خوانده ایم. مائو با تعریف دوره هایی که ارتش خلق به روستا و شهری می رسید و در رویارویی با تضادهای پیش بینی نشده با مردم برای ما درسهای گرانبهایی از جنگ مسلحانه بیادگار گذاشت که این مقاله جای پرداختن به آنها نیست. ولی بحث اصلی اینجاست که او هم قدم به قدم شرایط را تحلیل کرد و جنگ خود را به پیش برد تا سرانجام توانست بیش از یکمیلیارد گرسنه را به زندگی سزاوار انسان برساند. هرچند انقلاب چین هم پس از مدتی به شکست انجامید اما دست آوردهای همان تلاش را می توان امروزه در زندگی مردم چین و مقایسه با کشور همسایه اش هندوستان که هم از نظر فرهنگی و هم جمعیت مشابه هستند را دید. تجارب موفق جنبش در جهان تاکید کننده این مهم است که برای شروع هر جنگی ابتدا باید شرایط عینی و ذهنی انقلاب در آنجا را بدقت تحلیل کرد. تا زمانی که جامعه و بخصوص کارگران و زحمتکشان با اهداف

کمونیستها آشنا نشده و فاقد آگاهی های طبقاتی خود باشند هیچ جنگی به سرانجام نخواهد رسید ، حتی اگر در آن شکوهمند ترین فداکاری ها را هم شاهد باشیم باز هم به شکست خواهد انجامید چرا که پشتوانه هر جنگی در وحله اول توده ها هستند. آنها همینطوری به پشتیبانی کسی برنخواهند خواست بلکه باید بدانند از چه چیزی پشتیبانی می کنند. گاهی هم می دانند اما شجاعت و جسارت لازم را ندارند که همان شناخت " مرحله اعتلای انقلابی" است. مرحله ای که ضرورت برهم زدن سیستم موجود خواسته اول و آخر زحمتکشان شده باشد و برای رسیدن به آن فداکاری و شجاعت بخرج خواهند داد. تا زمانی که کارگران بدنبال اضافه حقوق ، اصلاح دستمزدها و ساعات کار و غیره هستند نمی توان به پای اقدام مسلحانه رفت زیرا مطالبات آنان بحدی است که براحتی از سوی بورژوازی خریداری شده و رودر روی انقلابیون خواهند ایستاد. این مسئله را پس از قیام سال 57 در ایران دیدیم. واقعه " قیام آمل" توسط " سربدارن" هم نمونه خوبی از تحلیل نادرست از موقعیت سیاسی موجود بود. خوشبختانه کتاب " پرنده نو پرواز" با صداقت کامل به این مسئله پرداخت و دلایل شکست قیام در آمل را بدرستی بررسی کرد. التقات جنگ چریک شهری با جن خلق و تحلیل غلط از روحیه توده ها همه با هم منجر به سرکوب قیام و جانباختن بیش از صد نفر از بهترین فرزندان این جنبش شد. سربداران به تصور اینکه با

پژواک اولین صدای گلوله های کمونیستها توده ها دسته دسته به آنها بپیوندند و بهمراه یکدیگر به سمت تهران حرکت کنند دست به حرکتی زدند که نتیجه اش شکستی دردناک بود. دردناک هم از نظر تلفات و هم از نظر سیاسی. چرا که عدم حمایت توده ها از جنبش و تنها ماندن آنها در شهر برای کسانی که در رویای پیشگامی يك خلق قدم در چنین راهی گذارند مسئله کوچکی نبود که بتوان براحتی با آن کنار آمد. به هر رو بحث بر سر کالبد شکافی تاریخ نیست بلکه مهم رسیدن به این مقوله مهم است که برای شروع هر حرکت مسلحانه ای در درجه اول بستر سیاسی آن باید آماده باشد. حتی چه گوارا هم با 16 نفر کوبا را فتح نکرد بلکه اندیشه چه گوارا مدتها قبل از او وارد کوبا شده بود. کمالینکه در بولیوی همان چه گوارا نه تنها از سوی توده ها حمایت نشد بلکه در تنهایی و شکست و انزوا جانباخت. در ایران امروز پتانسیلهای قهر و انقلاب در میان مردم وجود دارد اما کافی نیست. آنها با تمام وجود می خواهند از شر جمهوری اسلامی راحت شوند اما مشکل تنها جمهوری اسلامی نیست، بلکه سیستمی است که جمهوری اسلامی ها را بازتولید می کند. این سیستم به هر حال از فرهنگ موجود تغذیه میکند و خود توده ها بستر رشدش هستند. برای شروع جنگی تمام عیار بر علیه سیستم باید به توده ها پدیده ستم را شناساند. ستمی که از طبقات نشات گرفته و بسرعت در هیبت تازه ای قد علم می کند. باید آموزش داد که هدف تنها

سرنگونی جمهوری اسلامی نیست، کمااینکه در قیام 57 هم سلطنت سرنگون شده بود اما " تخت " دست نخورده باقی ماند و اینبار کسانی بر تخت نشستند که از جنایت دست قبلی ها را از پشت بستند. بنابراین تا زمانی که این آگاهی بدرستی در میان توده ها وجود نداشته باشد دست بردن به جنگ نمی تواند مسئله را حل کند، بلکه بایستی اینبار قیامی شکل بگیرد که با مقوله استثمار بطور کلی تصفیه حساب کند که تمام اینها چیزی نیست جز همان " انقلاب با خصلت کارگری و جهت گیری بسوی سوسیالیسم ".

جنگ توده ها بر علیه ستم اجتناب ناپذیر است و معمولا خارج از اراده هر گروه و سازمان سیاسی پیش خواهد آمد، ولی نقش پیشتاز و پیشگام اینجاست که این جنگ را هدف مند کند. وظیفه پیشگام است که جنگ را به عنوان یگانه راه رهایی در میان توده ها فراگیر کند. وظیفه پیشگام این است که جنگی را رهبری کند که توده ها منافع خود را در جنگ قدم به قدم ببینند. آنها اگر در قیامهای مسلحانه فقط خون و قتل و نابودی ببینند بسرعت خسته خواهند شد و در مقابل انقلاب خواهند ایستاد پس باید جنگ با خود نشاط و زندگی را هم به همراه داشته باشد. توده ها باید منافع جنگ را در زندگی روزمره خود حس کنند و نتیجه اش را در سفره های شام و نهارشان ببینند. نمی توان از همه آنها انتظار فداکاری تا حد جانباختگی را داشت بلکه باید به آنها نشان داد که جنگ می تواند برایشان زندگی، رفاه و اسایش

بهمراه بیاورد. اما چگونه؟ چگونه جنگ قادر است بدون رسیدن به پیروزی نهایی اسایش را به توده ها هدیه کند؟ تنها به يك روش ، " جنگ خلق " .

در جنگ خلق ارتش توده های کمونیستها قادرند در هر منطقه ای که در اختیار خود دارند نمونه های سوسیالیسم را به عینه به توده ها نشان دهند. هر روستا و شهری که آزاد شود شوراهای کارگران زحمتکشان دایر می گردد و همینها ثبات پیروزی ها را تضمین میکند چرا که اگر قبل از آن پیشگام بود که دست به اسلحه برده بود اما از آن به بعد این توده ها هستند که به هر قیمتی از دست آوردهایشان پاسداری خواهند کرد. نمونه های این روش جنگ مسلحانه در نپال، پرو ، مکزیک و کشورهای آمریکای لاتین سالهاست که وجود دارد. هرچند که نمی توان هیچکدام از آنها را الگو برای ایران قرار داد اما می توان از تجاربشان استفاده کرد، به هر حال تاریخ مبارزات طبقه کارگر تا به امروز نشان داده که جنبش های چریکی توانستند در برهه هایی سبب تهییج روحیه رزمندگی توده ها شوند اما هرگز و در هیچ نقطه ای از جهان منجر به انقلاب نشدند. جنگ مسلحانه در صورتی به ثمر خواهد نشست که با پشتوانه عظیم توده های همراه بوده و خط سیاسی رهبری کننده اش فاقد کوچکترین عنصر رفرمیسم باشد که هر نشانه ای از رفرمیسم در درون جنبش های مسلحانه به معنی مرگ آن خواهد بود.

در خاتمه :

جنگ ضرورت است. بدون دست بردن به اسلحه نمی توان حکومتی مانند جمهوری اسلامی را ساقط کرد. بدون اسلحه نمی توان از انقلاب پاسداری کرد. ولی برای شروع هر جنگی ابتدا باید زمینه های آن را فراهم آورد. به قول لنین جنگ ادامه سیاست است. پس ابتدا همان سیاست و یا ایدئولوژی است که باید بمثابة سفیر آزادی عمل کند. اسلحه به تنهایی تکه های آهن است و آن اندیشه ای که پشت آن قرار گرفته مهم و تعیین کننده است.

برای شروع مقدمات قهر انقلابی باید اندیشه " قهر " را در میان توده ها ترویج داد. با انتقال تجربیات جنبش ، با شایعه ساختن، با تایید اقدامات قهرآمیزی که در داخل کشور صورت می گیرد، با قبول مسئولیت ، با تحسین شجاعانه مبارزات قهر آمیز کمونیستها در سراسر جهان با اینها می توان اندیشه قهر را در جامعه رواج داد و تمام اینها زمانی می تواند انجام پذیر باشد که کمونیستها خودشان از محافظه کاری دست بردارند. توده ها وقتی می بینند کمونیستهایی که قهر مسلحانه را به عنوان بخشی از ایدئولوژی قبول دارند اما از ترس جو موجود در جهان جرات بزبان راندنش را ندارند نه تنها به هیچ فراخوانی جواب نخواهند داد بلکه بدرستی هم خواهند گفت که " یکسری نشستند در اروپا و جرات ندارند حرف قیام مسلحانه را بزنند و به ما می گویند لنگش کن !!! "

در ضرورت تبلیغات سیاسی (قسمت دوم)

مضمون تبلیغات از خودشان نسبت به شرایطی که در آن قرار دارند ابداعات و ابتکارات فردی و جمعی دست بزنند. برای مثال پیشنهاد رفقا برای ارائه تشکیل تبلیغات اینترنتی به صورت سی دی و اس ام اس واقعا بدیع و جالب توجه است. که در عین خطرات کمتر امنیتی دارای بردی وسیع تر از اعلامیه و تراکت میباشد. یا پیشنهاد رفقا برای پخش آمار حساب بانکی حکومتیان مخصوصا رهبری و خانواده آن در میان اقشار سنتی و بسیج و پاسدار از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین ترتیب پیشنهاد رفقا برای تشدید تبلیغات در محیط کارگری مخصوصا کارخانه ها از این دست می باشد. با توجه به رعایت مسایل بالا برگردیم به اصل مسئله یعنی اشکال تبلیغات و چگونگی پیاده کردن آن اگر تبلیغات را به دو روش نیمه علنی و مخفی تقسیم بندی نماییم ما در این جا صرفا به اشکال مخفی - عملی تبلیغات می پردازیم.

که در این میان داشتن شعارهای کارگری و سوسیالیستی از اهمیت ویژه ای برخوردار میباشد.

الف) پست سرخ:

یکی از بهترین و از لحاظ امنیتی کم هزینه ترین شیوه تبلیغات پست سرخ میباشد. در این شیوه آدرسها از جاهای مختلف شناسایی شده و متون تبلیغی یا ترویجی به آدرس ها پست می شود. در این شیوه بر اساس طرح برنامه ریزی شده و کار شده می توان کل سطح کشور را هدف قرار داد. ما به علت رعایت مسایل امنیتی در عدم طرح همه جانبه موضوع و سوء استفاده دشمن تیتروار به این مسایل می پردازیم. در پست سرخ مسایل زیر

پذیری، قدرت استتار، آمادگی حمله و دفاع را داشته باشد. چرا که هسته های مبلغ در شرایط خفقان و سرکوب پایه اصلی نیروی ضربتی سازمان سیاسی طبقه کارگر و توپخانه و نیروی هوایی آن به حساب می آیند. که در شرایط برتری نظامی، امنیتی دشمن به جنگ رو در رو با آن می روند بنابر این در شرایط نبود امواج انقلابی و عینیت سیاسی و خلاء فعالیت عملی مهمترین عوامل جبهه انقلاب کارگری در صحنه مبارزه میباشد. چون توازن قدرت به نفع دشمن طبقاتی است بنابر این باید آنقدر با برنامه دقیق و حساب شده عمل کرد که ضریب اطمینان موفقیت را صد درصد بالا ببرند.

ج) ارتباط متون تبلیغی باید با سرنگونی:

رفقای مسئول تهیه متنها تبلیغی باید در عین جذابیت و تهییجی بودن به ارتباط مسایل طرح شده با کلیت سرنگونی و همچنین بدیل حکومت کارگری توجه جدی داشته باشند. هر متن تبلیغی بدون طرح سرنگونی انقلابی رژیم و نیز بدون طرح حکومت جایگزین صرفا از حد نقد لیبرالی بالا تر نخواهد رفت. و به طرح مسئله در حد رفرم تنزل پیدا خواهد کرد. مثلا اگر ما به معضل مسکن به عنوان مسئله اصلی میلیونها توده کارگر و زحمتکش اشاره کرده و عوام فریبی های رژیم را در رابطه با طرح مسکن مهر را افشا کنیم باید نشان دهیم این حکومت دلالتی سرمایه داری نمی تواند به علت ماهیت سرمایه داری خود مسئله مسکن را حل کند. باید سرنگون شده و جایش را به حکومت شورایی سوسیالیستی کارگران که به عنوان تنها حکومت واقعی جوابگو بدهد.

د) رفقای تمامی واحدها و کمیته ها و ...:

باید چه در شکل تبلیغات و چه در ارائه

ما در قسمت پیش بر اهمیت تبلیغات سیاسی از لحاظ مضمون دمکراتیک و سوسیالیستی آن تاکید کرده و یاد آور شدیم. اگر هدف کمونیستها سازماندهی مبارزه طبقاتی کارگران برای درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت کارگری میباشد جهت و ماهیت انقلابی مبارزه طبقاتی و اصولا تربیت سیاسی توده های کارگر فقط و فقط از طریق تبلیغات سیاسی - انقلابی انجام شدنی است. سازمان سیاسی طبقه کارگر فقط از طریق تبلیغات سیاسی از میان توده ها هویت یافته و پایه مادی و توده ای به خود میگیرد. و همچنین از طریق تبلیغات سیاسی است که تمامی برنامه ها و سیاست ها و عملکرد دشمن طبقاتی افشا شده و حزب رزمنده کارگر به عنوان دژکوب اصلی دولت سرمایه داری در میان توده ها اعمال رهبری و سرکردگی مینماید. در این قسمت بطور اجمالی به اشکال تبلیغات سیاسی و چگونگی پیشبرد آن می پردازیم. قبل از پرداختن به موضوع یاد آوری و تاکید بر بعضی از نکات در مورد تبلیغات سیاسی ضروری میباشد.

الف) تبلیغات باید جاندار و مشخص باشد:

به قول لنین دست یک مجرم را در حین ارتکاب جرم گرفت. به طوریکه افشاء وی در همان لحظه در ملاء عام تاثیرش هزار بار بیشتر از تبلیغات کلی در موارد کلی است. بدین منظور نیروهای کمونیست در هر کارخانه و محله یا هر شهر و روستا باید در ارتباط تنگاتنگ با مسایل و مشکلات توده ها باشند مسایل آنان را از نزدیک دنبال کنند و در هر مورد مشخصی بلافاصله عکس العمل نشان دهند.

ب) آمادگی رزمی - عملیاتی:
بقول لنین یک سلول حزبی تبلیغی باید تا درجه انضباط نظامی انسجام، سازمان

باید رعایت شود.

- (1) آدرس های شناسایی شده به هیچ وجه نباید برای افراد شناخته شده و سیاسی باشد.
- (2) باید نحوه پست طوری سازماندهی شود که کوچکترین خطر متوجه فرد مورد نظر نشود.
- (3) از مکانهای مختلف و شیوه های گوناگون برای پست استفاده شود.
- (4) حتی المقدور و برای هر فرد یکبار پست شود.
- (5) رفقای مستقر در محیط های پست شده باید تاثیرات آنرا از لحاظ روانشناسی توده ای ثبت کرده و تحلیل کاملی از آن داشته باشند. تا در حین اجرا روش های عملیاتی و شیوه های تاثیر گذار و موثر تری را انتخاب کنند.

(ب) اعلامیه و شب نامه :

این شیوه یکی از رایج ترین و معمول ترین و برای توده مردم شناخته شده ترین شیوه مبارزاتی تبلیغاتی است. توده های ستم دیده طی چند صد سال تحمل استبداد و حق کشی و در نبود مطبوعات علنی و هم چنین جو بدبینی و سوءظن نسبت به مطبوعات سرمایه داری به شب نامه های که به طور مخفی پخش می شود اعتماد و امید زیادی دارند. چرا که می دانند نیروهای عمل کننده انسانهای جان بر کف ، جسور و مبارز بوده و به بهای جان خود این فداکاری را می کنند. تا بانگ عدالت خواهی در سینه ای خفته میلیون ها زحمتکش را به عنوان سازمان رزمنده و مبارز به گوش همگان رسانده و خفتگان را از خواب بیدار کنند و بیدار شده گان را به میدان مبارزه آورند .

نیروهای عمل کننده باید موارد زیر را رعایت کنند :

- (1) محل عملیاتی قبل از پخش از لحاظ پایگاه های دشمن و چگونگی عادت خواب مردم و راه های بدون رفت و ... کاملاً شناسایی شود.

(2) صد در صد از مرحله چاپ تا پخش از دستکش استفاده شود تا دشمن با انگشت نگاری به هویت انقلابیون مبارز پی نبرد.

(3) بهترین زمان برای پخش باید مشخص شده و زمان شروع و پایان دقیقاً حساب شود.

(4) با توجه به تجارب بدست آمده بهترین گزینه برای تعداد افراد دو نفر میباشد .

(5) انقلابیون عمل کننده صد در صد باید با نیروهای مسئول قرار سلامتی پس از عملیات را داشته باشند. تا در صورت دستگیری کارهای لازم انجام بگیرد .

(6) نیروهای مستقر در محل های پخش صد در صد باید از چگونگی تاثیرات تبلیغات انجام شده و عکس العمل طیف های گوناگون گزارشات دقیق تهیه کنند تا در بهتر کردن موضوعات و متون تبلیغی و هم چنین درجه تاثیر گذاری آن روی توده ها ارزیابی دقیق انجام بگیرد .

(7) انقلابیون عمل کننده باید قبل از اقدام عملی تمام محیط های کار و زندگی خود را از اسناد سیاسی و تشکیلاتی پاک کنند و هم چنین دقیقاً محل سازی کنند که در صورت دستگیری چگونه پاسخ خواهند داد .

(ج) تراکت :

منظور از تراکت متن تبلیغی - تهییجی و کوتاه و فشرده روی موضوعی مشخص میباشد که به یک نگاه بیننده را تحت تاثیر و احاطه قرار می دهد. چنین متونی باید مشخص ، هیجان انگیز ، کوبنده و تاثیر گذار باشند . که هم بتواند برای پیام روزمره و دعوت به عمل مشخص مورد استفاده قرار بگیرد و هم روی مسایل عمومی سراسری مورد بهره برداری قرار بگیرد. بهترین شیوه عمل برای تراکت چسباندن آن ، پخش از ارتفاع بلند مثل آسمان خراش ها ، پخش در تحصنات گردهمایی های گوناگون مثل تظاهرات ، اعتصابات و ... است . و تمامی موارد امنیتی مسایل دیگر نیز در رابطه با پخش تراکت نیز صادق میباشد. اما در این رابطه چون این مسئله باید در روز روشن و اغلب در میان مردم انجام گیرد . مثلاً در باشگاه های فوتبال در

حین خروج مردم انقلابیون عمل کننده باید نهایت دقت و چالاکی و سرعت عمل را به خرج دهند. همانطور که در بالا گفته شد متون ارائه شده باید علاوه بر جنبه سیاسی جنبه عمومی داشته باشد. مثلاً بازگرداندن اخراجی ها ، افزایش دستمزدها، اعتراض به قطع آب و برق ، دادن بیمه درمانی و بیکاری به کارگران ساختمان ، مقابله با تخریب خانه های حاشیه نشینان شهرهای بزرگ توسط زمینداران و دولت و پایمال شدن حقوق ملی ، آزادی دستگیر شدگان ، مانع شدن از قطع یارانه ها ، دادن حق تشکل، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان ، قلم مطبوعات ، امنیت شغلی ، از میان برداشتن قراردادهای موقت ، آموزش و بهداشت رایگان.

(د) شعار نویسی :

این شیوه به دو صورت در سایزهای کوچک توسط مازیک و در سایز های بزرگ توسط اسپری انجام میگردد. از لحاظ مضمون نیز همانطور که ذکر کردیم هم می تواند بیانگر اهداف مشخص و فوری و هم دارای اهداف دراز مدت باشد. با توجه به تاثیرات آنی و فوری شعار نویسی این شیوه از تبلیغات یکی از کاراترین اشکال مبارزات تبلیغاتی علیه دشمن است. وقتی توده گیر شود باعث تشدد و سردرگمی و کلافگی دشمن و در مقابل باعث تقویت جبهه انقلاب می شود. در دور جدید اعتلای انقلابی وقتی شعار مرگ بر خامنه ای ، مرگ بر ولایت فقیه همگانی شد حتی به روی پول نیز کشیده شد. بطوریکه دولت فاشیستی اعلام کرد پول های شعارنویسی شده را باطل خواهد کرد. و هر هفته باجه های تلفن را به علت شعار نویسی رنگ می کردند. هر چند دشمن در وحشت مرگبار از مرگ حتمی خود بلافاصله شروع به پاک کردن شعار ها کرده و نیروی خاصی را بدین منظور بسیج کرده اما تاثیر قاطع و فوری شعار نویسی برای نیروهای انقلابی کارگری به چنان درجه ای از اهمیت برخوردار میباشد. به طوری که باید با برنامه ریزی های دقیق مخصوصاً در محیط های شبه نظامی مثل کارخانجات دارای تداوم و سازمان یافته باشد. شعار نویسی و همگانی کردن آن

جو سرکوب دشمن را شکسته و دشمن را وادار به عقب نشینی می کند. به دلیل روحیه بالای مبارزاتی توده ها شعار نویسی بر حس همبستگی و سازمان یافتگی مبارزات توده ای و هم چنین نفوذ سازمان های کارگری در میان آنان منجر میگردد. در شعار نویسی علاوه بر رعایت مسایل امنیتی ذکر شده یکی از مهمترین مسایلی که باید رعایت شود دوربین های مخفی و علنی نصب شده در میادین و خیابان ها و ... می باشد.

(ر) بر چسب ها :

یکی دیگر از وسایل تبلیغات سیاسی که جاسازی و حمل نسبتاً آسان و در تمامی مکانها عمومی مثل تلفنهای همگانی و سرویس های بهداشتی عمومی پارک ها و ... ، ادارات ، دانشگاه ها ، کارخانجات و سالن های اجتماعی و ورزشی می توان به سادگی از آن استفاده کرد بر چسب های تبلیغی در اندازه های 10*5 سانتی متر میباشد ساده ترین و ارزان ترین شیوه این طرح استفاده از چسب های کارتونی نواری میباشد. که قبلاً در اندازه های دلخواه و به تعداد مورد نیاز نوشته شده و مورد استفاده قرار می گیرد. هزینه اندک و چسبانند آسان ، سرعت عمل و تحرک فوق العاده فردی در انجام این کار و مصرف انرژی کم ویژگی منحصر به فردی به

برچسب می دهد. تجارب فعالیت انقلابی نشان دهنده آن است که نوشتن شعار های مرکزی و پایه ای مانند طرح سرنگونی رژیم ، طرح حکومت کارگری ، شعار های پایه ای مانند (نان ، مسکن ، آزادی حکومت شورایی و برابری ، حکومت کارگری) و ... بر روی این برچسب ها بسیار گیرا و مقبول میباشد. استفاده از این طرح در جاهایی که سرکوب شدید حاکم بوده مثل کارخانجات و مراکز نظامی اطلاعاتی بسیار مفید و قابل اجرا است.

(ز) شابلون:

در این طرح نیروهای مبارز شعارها خود را ترجیحاً شعار های پایه ای و ماندگار را روی عکس های رادیولوژی در آورده و با اسپری آنرا در مکانهای مناسب می نویسند. مثلاً روی بانه های تلفن، دیوارهای صاف ، دربهای عمومی مراکز دولتی و خصوصی و ... این شیوه به علت سرعت بالای کار و انعکاس وسیع آن دارای اهمیت بالایی در بین تبلیغات انقلابی است.

(ه) پارچه نویسی: در این روش پارچه هایی به اندازه دلخواه از 1*2 تا 4*15 متر قبلاً تهیه شده و در وقت مناسب در جایگاه هایی که قبلاً شناسایی شده نصب می گردد. اهمیت این شیوه در برد بسیار بالای آن مثلاً در اندازه های

بزرگ مثل 5*20 در مکانهای بزرگ است. با توجه به رعایت مسایل امنیتی ما از طرح جزئیات خود داری می کنیم فقط تاکید کرده که نیروهای انقلابی باید خودشان با ابتکار و ابداع اشکال متنوع به شیوه های تبلیغاتی ابعاد تازه ای بدهند. با توجه به پیشرفت علمی نیروهای مبارز باید با جلب و جذب افراد متخصص در امر کارهای الکترونیک و انفورماتیک به کارهای بزرگ تبلیغی دست بزنند برای مثال قطع شدن موقت یکی از کانالهای تلویزیون و پخش 1 دقیقه ای صحبت یکی از افراد اپوزیسیون .

پخش فیلم ضد اخلاقی از دامی برد مرکزی در شهر کرج نشان دهنده این امر می باشد که خواستن ، توانستن است. به طوریکه می توان با نیروهای مبارز متخصص هر کاری را انجام داد.

در پایان از تمامی رفقا می خواهیم با ارائه نظرات و پیشنهادات و تجارب خود نیروهای مبارز را در مبارزه انقلابی شان علیه فاشیسم اسلامی و سرمایه داری جهانی یاری کنند .

ما دست تک تک دوستان و رفقا را صمیمانه می فشاریم.



نامه ای از یک خانواده تیر باران شده

آیین مردانگی

(به یاد آنهایی که برای سعادت میهن و بهرورزی مردم جان دادند)

به یاد رفقای که استخوان هایشان آجر یک بنا است.

بسیار ستمگرانی که با دار ،تازیانه و گلوله به جنگ حقیقت رفتند ، چه قلبهای سرخی را از تپش بازداشتند و چه سروهای را نقش بر زمین نکردند . اما حقیقت از زیر آوار زمان فریاد بلند خود را به انسانیت رساند و تاریخ حکم خود را صادر کرد . آری حقیقت را نمی توان کشت .

در دوره کنونی ، به دلیل حاکمیت طولانی استبداد در همه عرصه های حیات جامعه ، شکستهای سیاسی مبارزات مردم ، طولانی بودن دوران رکود ، رشد عقاید سخیف و ضایع شدن اخلاقیات و پوسیدگی روحی در جامعه ، برخی پدیده های منفی در جامعه شکل گرفته که موجب رشد یاس و دل مردگی ، سر خوردگی ، منفی بافی ، انفعال و بی تحرکی سیاسی در میان اقشار وسیعی از مردم و روشنفکران شده است اما ما امیدواریم.

ما واقع بینانه و به دور از پندار بافی و خود فریبی ، عصر جدید را عصر بیداری و ارتقاء آگاهای ، عصر غلبه بر تعصب کور،عصر تحقیق انتخاب آزادانه ، عصر اندیشه های نو و پویا ، عصر گسترش مبارزات توده ای آگاهانه ، عصر امید می دانیم در این عصر مردمی پیروز می شوند که قدرت و جسارت هجوم به دژ رسوم و اندیشه های نادرست کهن را دارند می توانند به استقبال مشکلات بشتابند. صریح و آشکار گو هستند از چابکدستی و دغلبازی و انگ و تهمت زدن و جو سازی و دروغ نفرت دارند. منفی باف و مایوس نیستند. با کنار گذاشتن تعصب کور و انجماد فکری به دنبال ارتقاء آگاهی و

مردم تو هم آمیخته بود و از آنها الهام می گرفتند . از مردم جدا نشدند ، با مردم بودند و برای مردم نیز ستیزه آنها علیه ظلم به سکون تبدیل نگشت در رزم خود که از میان رنج و خون می گذشت پایدار بودند تا فردا را به نسل پیشرو متعلق سازند.

در هر زمان ،صدها و هزاران قهرمان نامدار یا گمنام مانند مشعل هایی که در ظلمت کده ای بدرخشند و نور بپاشند ، در تیرگی های زندگی اسارت بار و پر از رنج مردم درخشیده اند روشنی داده اند و سوخته اند تا راه را بر دیگر روندگان این طریقت روشن کنند. تا در پرتو فداکاری آنها مردم از آنها الهام بگیرند و نیرو کسب کنند و راه شرافتمندانه و عادلانه آنها را دنبال کنند . هر نسلی پرچم پر افتخار این نبرد سهمگین را به دوش گرفته ،جنگیده ، مجروح و خونین شده اما هرگز در برابر نیروی ظلم به زانو در نیامده بلکه افتان و خیزان قدمی به جلو برداشته اندکی از این راه دشوار را هموار ساخته و قبل از این که نقش زمین گردد این پرچم را مانند امانتی مقدس به عنوان یک میراث ارزنده و والا به دست نسل بعدی سپرده است.اگر دشمن توانست سینه آکنده از مهر و صفا و روشن از فروغ ایمان آنها را بشکافد اما هرگز موفق نشد بر روح غلبه ناپذیر آنها دست یابد . آری دشمن حقیقت را به بند کشید ، به دار آویخت ، به جوخه سپرد ، قطعه قطعه اش کرد و در گور نهاد و پای بر آن کوبید و آنگاه به تاریخ دروغ گفت ، اما تاریخ دروغ نمی گوید. در حافظه پنهان تاریخ چه بیدادها و بیدادگرانی ثبت اند ، چه

طلبیدن آزادی و رهایی مردم یعنی اعلام جنگ آشکار به دشمن مردم که با تکیه به ثروت و قدرت حکومتی ، نیروهای مسلح و جنگ و خرافه ،ناآگاهی، نیروی عظیم و بی رحم و شوم را در اختیار دارند . در نبرد پر افتخار مردم علیه بیدادگران و مستبدان ، هزاران قهرمان و راد مرد فداکار و آرمان گرا برای سعادت ملت و بهرورزی میهن ، با غرور و افتخار جان بر سر آرمان های مقدس و انسانی خود گذاشته اند. این قهرمانان تجلی آرزوها و آمال های خلق خود بودند .راد مردانی سخت کوش و تسلیم نشدنی ، همه مظهر استواری و پایداری و شرف و آزادگی ،پرچمدارن میدان جانبازی برای درهم شکستن زنجیر های تیره بختی و اسارت مردم .آنان قهرمانانی بودند که سعادت و بی مرگی را در خدمت به خلق یافتند پس خطر کردند . در این راه دور فرجام گام نهادند و جان خود را بر سر این کار گذاشتند .عاشقانی بودند که مهر آنها به عدالت و آزادی و بهرورزی مردم سبب شد که خاموش نمانند و آتش آتشگاه زندگی را با شعله وجود خویش برافروزند و خود بسوزند. آزاد مردانی بودند که مرگ را به زانو در آوردند و با حماسه خود اجازه ندادند تا امید بهرورزی از خانه دلها رخت ببندد و انسانیت و پایمردی نابود شود گوهرهای پاکی بودند که با ترس و شکوه از روزگار بیگانه ، از خود بینی و تکبر و خود کامگی دور بودند.منادی وحدت و همبستگی بودند و مشوق به حفظ ارزشهای انسانی .احساسات و عواطفشان با دردها و خوشی ها و حرمان و امید

فرهنگ سالم سیاسی خود می باشند. نه عقیده ای را به کسی تحمیل می کنند نه اجازه می دهند عقیده ای به آنها تحمیل شود. منتظر وقایع نمیشینند بلکه با اتکاء به توده های مردم و بر اساس برنامه واقع بینانه و تحقق یافتنی فعالیت می کنند. وحدت را می طلبند و از تفرقه و پراکندگی دوری می جویند ، به نسل آینده و به فردا نظر دارند به خاطر مصلحت و منفعت جویی و جلب رضایت این و آن بر افکار و عقاید و آرمانهای خود پا نمی نهند و حقیقت را کتمان نمی کنند .

آنهايي که برای رهایی مردم از استثمار ، استعمار و استبداد ، فقر و جهل ، بیماری ، جنگ، ترس و نابرابری ستیز می کنند آگاه هستند که نیل به این اهداف جلیل آسان نیست تاریخ چنان ساخته شده است که برای پیشرفت آن ، قهرمانی ضروری است. برای این کار خلق قهرمان و قهرمانان خلق لازمند تا کوه های مشکلات را از سر راه بردارند بی دریغ جانبازی کنند و جسورانه به مواضع دشمن هجوم برند و با سوختن هیمه هستی خود شعله نبرد و زندگی را بر افروزند . تاریخ عرصه عمل قهرمانان است و قهرمانان پیشگامان خلق اند و خلقها پرورنده قهرمانان ، مبارزان واقعی حتی در دوره حاکمیت

استبداد خشن، دوران رکود و فضای مملو از ترس ، یاس ، سوءظن و بد بینی ، تردید و بی اعتمادی ، بی توجهی و انفعال ، ... لحظه ای از مبارزه برای آزادی مردم دست نمی کشند در نزد آنان آنجا که پای منافع مردم ، مصالح میهن و نیازمندیهای جنبش مردمی در میان باشد فلسفه های شک آلود و سفسطه های مبهم ، طنز ها و ریشخند ها ، انگ ها و تهمت های حقیرانه ، به خودی خود خرد می شوند برای این قهرمانان ، مبارزه با همه آنچه که آدمی را از آزاد به اسیر مبدل می سازد یک وظیفه مهم ملی است . و شهیدان و قهرمانان خلق در راه انجام چنین وظیفه ای بود که خود را فدا میکردند آنان در چنین نبردی ، شادی می دیدند و افتخار ، و در تسلیم ، اندوه می یافتند و ننگ . نبرد مقدس و حماسه این دلاوران فراموش ناشدنی است از این میان حتی یک نام را نیز نباید فراموش کرد نام هریک از آنان که به نام آرمان مقدس آزادی خلق و استقلال میهن به دست ستمگران به خاک و خون غلطیده یا آذین دارها شدند باید مورد ستایش قرار گیرد . آنها رفتند ، اما آن خلقی بزرگ است که سپاسگزار صمیم خدمتگزاران صدیق خود باشد. چه چیز از شهادت و ایثار نفس در اثبات صداقت خود بالاتر ؟ چگونه

می توان این دوستان شایسته خلق را از خاطر زدود ؟ هرگز. پاسداری از نام و خاطره این قهرمانان در پرتو تقویت خواست ضد استبدادی و حق طلبانه آنها ، دفاع از حقوق انسانی ، گسترش مبارزه دموکراتیک و عدالت جویانه ، ایجاد رشد و فرهنگ روحیه دموکراتیک ، پای بندی به آرمانهای والای انسانی و شرافت و اصول اخلاقی ، مقابله با یاس و ترس و انفعال ، تامین اتحاد عمل و پرهیز از تفرقه - میسر می باشد. درس های تاریخ مهیب و خونین است خاطره شهیدان ما را به اتحاد فرا می خواند باید از تفرقه پرهیز جست و روی به اتحاد آورد . وحدتی که بر اساس احساس مشترک ، درد و رنج مشترک و منافع مشترک شکل گیرد. نیروی ما ، مخالفان استبداد اندک نمی باشند اگر این نیرو به جای آن که صرف نا توان کردن یکدیگر و انگ و تهمت زدن به دیگران و محدود کردن فعالیت همدیگر شود ، قدرت دگرگون کننده خود را متوجه تامین آزادی در میهن سازد قطعاً روز پیروزی نزدیکتر خواهد شد و این همان چیزی است که شهیدان ما می خواستند.

**درد پر شور به خاطره تابناک تمامی شهیدان خلق
نامشان جاوید - راهشان پر رهرو - یادشان گرامی باد .**

چرا سرنگونی جمهوری اسلامی ضرورت حیاتی دارد؟!!!

چون : بهترین و شجاع ترین جوانان و انسانها بدستور خمینی و دیگر سران جنایت کار این نظام فاشیستی - اسلامی به جرم دفاع از آزادی ، برابری ، دفاع از کارگران ، برقراری حاکمیت طبقه کارگر و دفاع از سوسیالیسم در کوهها و بیابانها درکوچه و خیابان ها درمدارس و دانشگاهها در دادگاهها و زندان هازیر بازجوی و شکنجه ها قتل عام شدند .

بهمن : چرا باید رژیم اسلامی سقوط نکند؟

اسلامی اعدام و یا ناپدید شده اند همراه با دوستان و هم‌زمان آنها روانه دادگاه ها شده و خواهان رسیدگی به جنایاتی هستند که دست اندرکاران رژیم و همدستانشان مرتکب شده اند. اجازه بدهید برای آسان شدن کار فعلا از شکایات حقوقی در مورد غارت بلیارد ها تومان ثروت این مملکت و مردمش صرفنظر کنیم. در آن بعد زمانی، دهها هزار خانواده خواهان آن هستند که چرا عزیزان آنها بدون دادگاه و یا دادگاه های دقیقه ای بدون داشتن وکیل وبدون تفهیم جرم اعدام شده اند. اینان میخواهند بدانند چه کسانی در این جنایات دست داشته و چه کسانی از اینهمه جنایت سود برده اند.

گروه اول اعدام شده گان در دادگاهی!! مثلا محاکمه شده و اعدام شدند که ابراهیم یزدی رییس دادگاه بود و سازگارا و هادی غفاری از دستیارانش باضافه دیگر سران رژیم همانند مهدوی کنی. ابراهیم یزدی حال رهبر نهضت آزادی است، سازگارا خود را "رهبر" جنبش خطاب میکند و مرتب به مردم از "زیر زمین خانه اش" در واشنگتن نشسته "رهنمود" میدهد. هادی غفاری "اصلاح طلب" شده و کلت اش را از جیب عباش جدا کرده و بخاطر ترک زبان بودنش مورد مهر و محبت ناسیونال شونیست های

رژیم سراپای حامیان داخلی و خارجی آن را فراگرفت و هریک بفراخور حال در پی به انحراف کشاندن جنبش و خانه نشین کردن مردم برآمدند. شیدان و تبهکاران وابسته به رژیم با عبا و بی عبا به جنبش و جوش درآمدند و چانه زنی و سازش در بالا و دلسرد کردن در پایین در تمامی سطوح وابسته گان رژیم شروع گشت. مسله جلو گیری از سقوط رژیم به مسله حاد تبدیل شد. برآستی چرا سقوط رژیم در حالی که اکثریت شرکت کننده گان در این جنبش خواهان آن هستند به مسله مرگ و زندگی بسیاری از افراد و سازمانها بدل شده؟ اجازه بدهید یک سفری به آینده بکنیم تا شاید بهتر به چرای این مسله دست یابیم.

برای یک لحظه چشمانتان را ببندید و فکر کنید که رژیم تبهکار اسلامی سقوط کرده و در غیاب و ضعف نیروهای مترقی، دمکرات و چپ، یک حکومت نیمه دمکراتی بقدرت رسیده که بواسطه جوان بودنش از طرفی و پر زور بودن قدرت مردمی که آنها را بقدرت رسانده اند از طرف دیگر، به عدالت، حداقل در سطح قضایی آن تا حدی باور دارد و خواهان رسیدن به شکایات مردم هست. در آن بعد زمانی، هزاران هزار خانواده داغدار که عزیزانشان در طول 31 سال حکومت منفور

در حالی که جنبش آزادیخواهانه مردم ایران روز به روز رو به بالنده گی و پویایی گام بر می دارد، مسله مانده گاری یا سقوط رژیم تبدیل به مسله مهم افراد، نیروها و سازمانها گشته. حکایت بسیاری از شرکت کننده گان در این جنبش، حکایت فیل و مردمان نابینا هست که هرکس قسمتی از بدن فیل را لمس میکرد و فیل را آنگونه که میخواست تعریف میکرد که اکثر تعریفی بجا از آن قسمت فیل که لمس اش کرده بود، میدادند ولی در کل هیچ یک از تعاریف نشانی از وجود فیل و آن چه که او هست نداشت. همگان شاهدیم که بعد از 6 ماه سرکوب، کشتار، زندان، شکنجه و تجاوز، مردم بجان آمده، بدفاع از شان و حیثیت انسانی خود برآمدند و اندرز های خرافاتی و خفت بار "رهبران" ادعایی جنبش را بهیچ گرفتند و بمقابله با مزدوران وحشی رژیم پرداختند آنهم با دست خالی. این حرکت نشات گرفته از وجود انسانی و ارزش قایل بودن به شخصیت و شان انسانی خود، اما، بمذاق بخشی های زیادی از مدعیان حامی جنبش بخصوص "رهبران" خود اعلام کرده خوش نیامد. بدنبال دفاع مردم از خود و آنهم در مقیاسی نه چندان بزرگ، سیل حمله و پرخاش بسوی مردم آزاده و حامیان آنها شروع شد. ترس از رادیکال شدن همه جانبه جنبش و سرنگونی

آدزی قرار گرفته که در آرزوی رسیدن به خدمت به الهام علی اف روزگار میگذرانند. با قبول این واقعیات، آیا سخت هست که متوجه شویم چرا نهضت آزادی و دوقلوبیش (ملی - مذهبی ها) اینچنین به وحشت افتاده اند و مردم را از ادامه مبارزه بر حذر میدارند و سحابی کارش به عربده کشی میکشد؟ آیا سخت هست که فهمید چرا اصلاح طلبان چنین گستاخانه به مقابله "ساختار شکنان" برآمده و ناسیونال شونیست های آذری در عالم هیروت مانده، پشت به مبارزات مردم سایر نقاط کشور کرده و مسئله حیاتی آنان نه سرنگونی رژیم که صحبت به زبان مادری و اتصال به بخش شمالی هست و بدین گونه مسئله ملی و آزادی گویش و تحصیل به زبان مادری را به سخره گرفته اند؟

گروه دوم اعدام شده گان، اعدامی های سالهای 60 هستند که رییس جمهور، نخست وزیر، وزیر دادگستری، دادستان کل، بازجوها، شکنجه گران، و تیر خلاص زن های آن دوره، خامنه ای، موسوی، موسوی اردبیلی، صانعی، موسوی تبریزی، گنجی، عبدی، میردامادی، آرمین، رمضان زاده، مخملباف، و احمدی نژاد بودند باضافه دیگران سران و وابسته گان رژیم که اینک یا رهبر و ولی فقیه اند، یا "رهبران" خودخوانده جنبش و یا اصلاح طلبان مشارکتی، مجاهدین انقلاب اسلامی و غیره. جدا از این دسته کسان دیگری بودند که آتش بیار معرکه بودند، در لو دادن، دستگیری، شرکت در سرکوب و اعدام دست داشته اند. آیا

عجیب هست که تمامی اصلاح طلبان از هر دسته و فرقه ای مخالف سرنگونی رژیم باشند و برای مردم بجان آمده خط و نشان بکشند که مبادا در پی سقوط رژیم باشند. آیا عجیب و غریب هست که دست اندرکاران سایت پیک نت و افرادی همچون نگهدار، طاهری پور، کشتگر، فتاپور، توده ای های شرمگین همانند بابک امیرخسروی، مسعود بهنود، و بیشمار شبه انسان های در این قد و قواره مرتب علیه مردم بجان آمده سم پاشی کرده و هشدار دهند که "ساختار شکنی" نکرده و خواهان سقوط رژیم نباشند و اندر مضرات سرنگونی رژیم یلوه سرایی کنند؟

گروه سوم اما اکثر ترور شده گانی هستند که بدست لشگریان اسلام و در زمان خلافت خاتمی جان باختند. آیا عجیب هست که خاتمی، این هرزه گو گشاده دهان به یلوه گویی نپردازد و مادام از جانب مردم سخن گفته و ادعا کند که مردم خواهان نظام اسلامی هستند و آنانی که شعارها علیه نظام نکبت اسلامی و ولی فقیه اش داده اند را "غلط" کننده ها خطاب کند؟

اما، گروه دیگری که رو به دادگاه خواهند کرد، دانشجویان و استادان و خانواده آنها هستند که در اردی بهشت سال 59 و یا خرداد 78 یا توسط افرادی نظیر ابراهیم نبوی سرکوب و کشته شده و یا هزاران هزار نفر توسط سروش و زیبا کلام و باند تبهکارشان اخراج و زندانی و شکنجه شدند. حال عجیب خواهد بود که اینان سخت از ادامه ومانده گاری استفراغ تاریخ دفاع کنند؟

در انتها اگر چپاول و غارت ثروت های هنگفت توسط سرمدمداران رژیم بخصوص هاشمی رفسنجانی جنایتکار و خانواده اش و دول غارتگر از آمریکا گرفته تا کشور های اروپایی و از روسیه گرفته تا چین را به مسایل بالا اضافه کنیم، آیا خیلی عجیب خواهد بود که تمامی این دولت ها مستقیم و غیر مستقیم از ادامه و مانده گاری این رژیم جهل و جنون حمایت کنند و جملگی کور، کر، لال شده باشند؟. این ها همان دول "بشر دوستی" هستند که اگر خونی از دماغ کسی در یکی از کشورهای مخالفشان میریخت، ضجه های دفاع از حقوق بشری اشان گوش دنیا را کر میکرد.

با قبول مسایل مطرح شده در بالا که تمامی ایرانیان آزاده بدان آگاهند و قبول اینکه جز خود و افکار عمومی جهان هیچ فرد، گروه، سازمان، ودولتی از ما وجنبش به حق مان حمایت نمیکند و ما خود هستیم و خود و چون یکی شویم و برخیزیم، نیرویمان چنان خواهد شد که هیچ مانعی نمیتواند در راه سترگمان ابراز وجود کند. آیا زمان آن نرسیده که محافظه کاری را کنار گذاشته از توهم به کسانی که همراه مان نیستند بیرون آمده و متحد و مصمم برای سرنگونی این رژیم جنایت پیشه بیادگار مانده از دوران توحش بادیه نشینی خلاصی یابیم؟ به امید فرارسیدن آن روز، به امید فردا که تولد آن روز باشد.

سالی که نکو است از بهارش پیداست :

و ... خواهد شد. فقط با سرنگونی حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی از طریق انقلاب کارگری و توده ای و قیام مسلحانه و ریشه کن کردن تمامی ارگان های سرکوب آن مانند سپاه، بسیج، اطلاعات و ... و برقراری حکومت شورایی سوسیالیستی کارگران و زحمتکشان است که می توان به این اوضاع فلاکت بار خاتمه داد. فقط در حکومت سوسیالیستی کارگران و زحمتکشان است که اداره کل امور جامعه در عرصه تولید، توزیع، فرهنگ بدست خودشان و در جهت منافع آنان امکان پذیر است. فقط در حکومت شورایی سوسیالیستی کارگران و زحمتکشان است که رفاه عمومی، اشتغال دائم و امنیت شغلی، مسکن، درمان، آموزش و خدمات عمومی رایگان معنی واقعی به خود می گیرد. طبقه 45 میلیونی کارگران ستون اصلی این مبارزه و حکومت می باشد چاره این طبقه برای نجات خود فقط و فقط در تشکیل حزب سیاسی سراسری به عنوان یک طبقه در مقابل سرمایه دار است. تا علاوه بر وحدت و انسجام درونی خود دیگر لایه های زحمتکش و ستم دیده را زیر پرچم خود علیه نابودی فاشیست های حاکم گرد آورد. به امید آن روز با تمام توان خود در جهت سازماندهی هسته ها و سلول های مخفی در کارخانجات و محلات به پیش.

رقم بی سابقه 94/104 میلیارد منابع حاصل از نفت و فراورده های نفتی با 66 درصد افزایش 377/265 میلیارد و ... رسیده است. در مقابل این افزایش درآمدها در دولت نایب امام زمان سپاه-خامنه ای حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان پایین تر هم رفته و از حدود 22900 میلیارد تومان در سال 88 به حدود 228000 میلیارد تومان در سال 89 تنزل پیدا کرده است. در حالیکه رقم پیش بینی و پیش نهادی (صد البته برای فریب و عوام فریبی) از طرف فاشیست های حاکم 162 درصد یعنی 5/2 برابر رقم موجود می باشد. اگر رقم 7500 میلیارد تومانی واگذاری شرکت های دولتی و 8000 میلیارد تومان سهم منابع از هدفمند کردن یارانه ها و رقم برداشت 677/134 میلیارد ریال دولت سپاه-خامنه ای را از منابع صندوق توسعه ملی را به رقم های باد آورده بالا اضافه کنیم ابعاد فاجعه و جنایت در غارت ثروت های عمومی مشخص تر می شود. فاشیست های حاکم به این قناعت نکرده با دزدی 50 هزار میلیارد تومان از بانک ها روی تمامی دولتهای دزد سرمایه داری را سفید کرده اند نتیجه چنین وضعی افزایش آمار فقر مطلق از 20 به بیش از 32 میلیون رسیده است. به پیش بینی نهادهای مستقل افزایش تورم و گرانی بی سابقه، رکود کامل تولید و افزایش بیکاری از 11 میلیون به بالا و در نتیجه افزایش نابسمانی های اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، فحشا (تن فروشی)

نگاهی گذرا به بودجه سال 89 لایحه بودجه یا دکان غارت ثروت عمومی توسط دولت سپاه -خامنه ای : هر طرحی و هر لایحه ای و هر برنامه ای که به طور دیگر حتی برای ساده ترین اقشار مردم اثبات شده است. حتی به اعتراف برخی از جناحهای حکومتی که دستشان از سفره رنگین غارت ثروتهای عمومی قطع شده است طرح و برنامه است برای تشدید بهره کشی و غارت عمومی کارگران نمونه ای مانند طرح های زود بازده که سرمایه داران بوروکرات و دلال حکومتی بیش از 29 هزار میلیارد تومان پول به جیب زدند. طرح هدفمند کردن یارانه ها که فقط در حوزه آزاد کردن قیمت نانهای باگت رقمی در حدود 450 میلیارد تومان سالانه به جیب سرمایه داران سرازیر می کند. بودجه سال 89 بنا به اعتراف جناح های دیگر حکومت اسلامی دست فاشیست های حاکم را در چپاول منابع ملی بازتر کرده است. در حالیکه منابع عمومی درآمدهای تشکیل بودجه به شدت افزایش یافته است و در عمده ترین شاخص به رقمهای زیر رسیده است: مانند درآمدهای غیر نفتی با رشد 33 درصد نسبت به سال 88 به رقم 24/466 میلیارد، درآمد مالیاتی با رشد 19 درصد نسبت به سال گذشته به رقم 725/308 میلیارد، منابع با منشاء نفتی با 53 درصد افزایش نسبت به سال 88 به رقم 69/610 میلیارد سود سهم دولت از شرکت نفت با 160 درصد افزایش به



علی خامنه ای و چهل دزد ایران



اخبار:

اعتصابات قهرمانانه کارگران و کارکنان اروپا علیه سیاست های سرمایه داری این کشور ها را فلج کرد:

عنوان ستاد رزمی 2.5 میلیاردی برای تحقق حکومت سوسیالیستی جهانی کارگران تنها ضامن پیروزی بر سرمایه داران است و لازمه رسیدن به چنین هدف والایی فقط و فقط تکیه به حزب طبقه کارگر می باشد.

آمریکا:

با نزدیک شدن آمار بیکاری به 12 درصد در آمریکا و تشدید بحران ساختاری، این کشور وارد بدترین بحران اجتماعی و سیاسی خود در کل تاریخش شد. طی سال 2009 بیش از 140 و در سال جاری 50 بانک اعلام ورشکستگی و به صفوف بانک های ورشکسته آمریکا پیوستند. از طرفی بزرگترین شرکت بیمه اعلام ورشکستگی نمود و به صف مابقی شرکت های ورشکسته بیمه آمریکا پیوست. با بیکاری و پایین آمدن قدرت خرید زحمت کشان در دولت سرمایه داری اوباما بیش از یک میلیون خانه توسط دولت مصادره شده و یک میلیون و هشتصد هزار نفر در آستانه خانه به دوشی قرار دارند به طوریکه مردم آواره، به مترو و جنگل پناه برده اند. تنفر و نارضایتی مردم از دولت امپریالیستی آمریکا به دلیل چپاول پول و اموال عمومی و کشته شدن فرزندان شان در باطلاق جنگ عراق و افغانستان بالا رفته است. به طوریکه تحت عوامل بالا 75 درصد مردم آمریکا از دولت سرمایه داری اوباما ناراضی بوده و هیچگونه امیدی به شعار تغییر و بهبودی اوضاع بدست او ندارند. در طرف دیگر با ریزش توهم مردم و رشد مبارزات کارگران و توده ها و

های انقلابی کارگری حزب کمونیست یونان، این کشور با اتحاد همه ی بخش های دولتی و خصوصی علیه سیاست های کثیف سرمایه داری دست به اعتصاب زدند. در اعتصابات سراسری یونان نزدیک به 2.5 میلیون نفر کارگر همبستگی طبقاتی و شعور سیاسی — تشکیلاتی خود را علیه نظام سرمایه داری به نمایش گذاشتند. لازم به ذکر است که کسری بودجه کشور یونان 4 برابر میانگین کشورهای اروپایی می باشد.

اسپانیا:

با بالا رفتن نرخ بیکاری در اروپا مخصوصاً اسپانیا (20 درصد) و نیز افزایش سن بازنشستگی صدها هزار نفر از کارگران و کارمندان بخش های گوناگون در مادرید، بارسلونا، والنسیا دست به اعتصاب با شکوهی زدند.

جمهوری چک:

اتحادیه کارگران بخش حمل و نقل و اتحادیه خدمه پرواز شرکت هواپیمایی بریتیش ایرویز با حمایت 80 درصد اعضای خود رای به اعتصاب داد. قرار است اعتصاب در روز دوشنبه آینده صورت بگیرد. طبقه کارگر قهرمان اروپا با تکیه به سابقه درخشان تاریخی و تجربه انقلابات بزرگی هم چون کمون پاریس می رود تا دوباره نقش تاریخی — جهانی خود را ایفا کند. کارگران اروپایی به عنوان گردانهای از ارتش 2.5 میلیاردی با انقلابات کارگری نابودی نظام سرمایه داری را آغاز کند. بی شک اتحاد جهانی طبقه کارگر و تشکیل انترناسیونال سرخ کارگران به

اعتصابات قهرمانانه کارگران و کارکنان کشورهای اروپایی علیه سیاست های سرمایه داری این کشور ها را فلج کرد.

آلمان:

در روز یکشنبه 9 اسفند در پی بی نتیجه بودن مذاکرات اتحادیه خلبانان آلمان با شرکت لوفت هانزا بیش از 4000 خلبان دست از کار کشیدند با لغو 3200 پرواز 135 میلیون دلار به سرمایه داران خسارت زدند در جریان این اعتصاب شرکت هوایی در جرمن وینگو و شرکت باربری لوفت هانزا نیز به اعتصاب پیوسته اعتراض خلبانان به میزان پایین درآمد و نبود امنیت شغلی بود.

فرانسه:

از روز 10 اسفند با دعوت 14 اتحادیه هواپیمایی کشوری فرانسه در اعتراض به تصمیم دولت برای ادغام کارکنان برج های مراقبت با 5 کشور دیگری اروپایی دست به اعتصاب قهرمانانه زده و نیمی از پروازهای داخلی و خارجی را مختل کرده و قدرت مبارزاتی خود را به نمایش گذاشتند، همچنین کارگران پالایشگاه های فرانسه از جمله توتال پس از گذشت 40 روز اعتصاب خود همچنان به رزم انقلابی خود علیه نظام سرمایه داری ادامه می دهند و نشان می دهند که کارگران در مقابل قدرت متحده سرمایه داران راهی به جزء مقاومت و مبارزه متحدانه ندارند.

یونان:

در روز 10 اسفند با دعوت اتحادیه

محبوبیت روز افزون حزب کمونیست آمریکا نوید بخش رشد آگاهی سوسیالیستی و آینده درخشان آنان می باشد .

ایران:

فروپاشی اخلاقی نظام سرمایه داری :

کشور ایران با آمار بیش از 13 میلیون معتاد و رسیدن سن فاحشگی به 11 سال تحت حاکمیت حکومت امام زمان فاسد ترین کشور سرمایه داری دنیا است. کشور های پیشرفته سرمایه داری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. دولت سرمایه داری انگلیس به صراحت اعتراف می کند طی چند سال اخیر بچه هایی که به علت عدم تمکین مالی خانواده هایشان توسط دولت گرفته شده را به خانواده هایی برای بردگی جنسی می فروخته، باعث تنفر و خشم جهانیان گردیده است. آقای براون و سرمایه داران می خواهند با پرداخت 6 میلیون لیر استرلینگ به عنوان غرامت به خانواده های قربانیان نظام سرمایه داری این ننگ را بشویند. در حالی که این طبیعت نظام سرمایه داری و توحش امپریالیستی است که به همه چیز به دیده سود و پول نگاه می کنند و همه چیز را در اختیار بهره کشی و انباشت ثروت قرار می دهد به طوریکه برلوسکونی فاسدترین دولتمرد ایتالیایی و نماینده بزرگترین جناح سرمایه داری آن کشور با در دست داشتن 80 درصد تلویزیون، فاحشه ها و رقاصه ها را نامزد خویش در انتخابات می کند به تازگی با افزودن یک رقاصه دیگر در راس کاندیدهای حزب اش (بزرگترین حزب سرمایه داری ایتالیا) به قول همسرش که با ابراز تنفر از شوهرش اعلام کرد: برلوسکونی به سببی از اقتضاحات مبدل شده است. تظاهرات و اعتراضات میلیونی علیه نظام سرمایه داری و سیاست های بهره کشانه، جنگ طلبانه، فروپاشی

اجتماعی و اخلاقی می رود تا به عمر ننگین تسلط آن بر 2.5 میلیارد کارگر و 3 میلیارد کشاورز پایان دهد.

اعتصابات گسترده کارگری ایران:

علی رغم سرکوب شدید اعتصابات کارگری در سراسر کشور هم چنان ادامه دارد به طوری که در دی ماه شورای امنیت ملی کشور شما به خوانید (شورای امنیت=تامین امنیت و ادامه بهره کشی سرمایه داران) وضعیت کشور را از لحاظ اعتصابات کارگری خطرناک اعلام کرد. اعتصاب کارگران ایران تایلر تهران و نیز بازنشستگان در تهران، ریسندگی و بافندگی کاشان، آلومینیوم و پارس واگن اراک، صنایع پروفیل ساوه، نورد فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، پیستون سازی تبریز و حرکت قهرمانانه کارگران ذوب آهن اصفهان و بوجود آمدن تشکل کارگری در تاریخ مبارزات کارگری کشور در این کارخانه در کنارصدها اعتصاب کوچک و بزرگ خواب را بر سرمایه داران و دولت فاشیستی اسلامی سپاه -خامنه ای سگ پاسپان آنان حرام کرده است. باید هم در وحشت مرگبار، آنان به دست و پا بیافتند. طبقه 45 میلیونی کارگران به عنوان نیروی اصلی سرنگونی حکومت اسلامی به عنوان حافظ و پاسدار نظام سرمایه داری علی رغم شدید ترین اختناق و سرکوب نه تنها از پای ننشسته بلکه با ایمانی راسخ تر از قبل برای سرنگونی دولت فاشیستی به اعتراضات و اعتصابات خود جنبه رادیکال تری داده است. که تمامی حرکات تعرضی و مقاومتی خود را به جلوی مراکز دولتی کشور (فرمانداری و استانداری ها) کشانده و در این میان بزرگترین ضعف جنبش کارگری در عدم تشکل ها، اتحادیه های سراسری (فدراسیون و کنفدراسیون) و هم چنین حزب سیاسی سراسری است که به عنوان اهرمهای

سیاسی - صنفی، کل مبارزه و حرکات طبقه کارگران ایران را به عنوان مبارزه طبقاتی به طور سراسری به هم پیوند دهد و از جویبارهای کوچک دریایی خروشان سازد. بدون حزب سیاسی سراسری نه تنها این امر محقق نخواهد شد بلکه این طبقه و جنبش کارگری به زائده و دنباله رو دیگر گروه های سرمایه داری تبدیل خواهد شد.

فروش سوالات آزمون دستیاری پزشکی تا 100 ملیون تومان :
بدنبال فروپاشی و فساد کلیه ارگانهای حکومت ولایت فقیه و جعلی بودن 80 درصد مدارک سران حکومت و رشد پارتی بازی و همه گیرشدن رشوه در حکومت امام زمان سپاه -خامنه ای به اوج خود رسید. به اعتراف انوشیروان محسنی نایب کمسیون بهداشت محلی سرمایه که گفت: در سالهای 82 تا 87 نیز شاهد تخلف و تقلب در آزمون دستیاری بودم اما امسال به اوج خود رسید پس از ده ها میلیارد پول به جیب زدن آزمون باطل شد. حال شما بگوئید حکومتی که کنکور ساده را به محل دزدی تبدیل می کند آیا غیر از سرنگونی چاره ای دیگر هم دارد ؟

(3) بدنبال تظاهرات میلیونی توده ها علیه سیاست های سرکوب و بهره کشی حکومت فاشیستی اسلامی و رشد مبارزات گسترده کارگران، ملل تحت ستم، زنان و اقشار متوسط علیه حکومت هزارنفر از طرف حکومت بازداشت شده اند. 56 نفر از بهترین فرزندان این مردم زیر اعدام قرار دارند این مسئله با مبارزات قهرمانانه خانواده های زندانیان سیاسی در جلوی دادگاه ها و زندانها باعث حمایت گسترده داخلی و جهانی شده است بطوریکه حقوق بشر در نشست جدید خود با تظاهرات گسترده مردم جهانی سیاست های سرکوب گرانه رژیم اسلامی را محکوم کرد و خواهان آزادی فوری آنان و لغو اعدام شده است. این حکومت زور و

سرنیزه را فقط با تظاهرات و اعتصابات سراسری و نهایتاً با قیام مسلحانه توده ای می توان به زباله دانی تاریخ انداخت.

نابودی چرم کشور:

پس از نابودی صنایع از قبیل (پوشاک، کفش، قند و شکر، چای، برنج) و برداشتن گمرکات مرزی و یارانه ها در مزدوری به سرمایه جهانی حالا نوبت به نابودی صنعت چرم کشور رسیده است. باند های حکومتی تحت حمایت سرمایه داران و رهبری با واردات انواع پوست (گاو، گوسفند) باعث تعطیلی هزاران کارخانه و بیکاری ده ها هزار کارگر شده و منجر به نابودی صنعت چرم شدند. تعطیلی بیش از 300 واحد تولیدی در تبریز نشانگر وخامت اوضاع است. این حکومت ضد بشری را غیر از نابودی نمی توان اصلاح کرد.

بدون شرح:

احمد مقدسی عضو هیئت مدیره مرکز همکاری های امور دام گفت: در حالی که تولید سالانه گوشت قرمز در کشور 870 هزار تن است که به ازای هر نفر 12 کیلو گوشت قرمز تولید می شود (استاندارد جهانی 7 کیلو است). حال این سوال مطرح است که این میزان به چه منظور وارد می شود؟

در دولت استکباری سپاه - خامنه ای: علی اکبر محرابیان گفت: برخی از تولید کنندگان مطرح صنایع غذایی کشور برای کسب سود بیشتر (لابد چیزی هم از این سود بیشتر می خواهند) برخی از کالاهای خود را به خارج از کشور منتقل کرده و آن را دوباره برای توزیع وارد کشور می کنند.

7) توافق اصلاح طلبان حکومتی با جناح فاشیسم سپاه - خامنه ای برای لاپوشانی طرح تحقیق از وضعیت بازداشتگاهها (بدنبال اوج گیری اعتراضات مردمی و تشدید اختلاف درونی رژیم) افشاء جنایت کهریزک و زندانهای مخفی رژیم جنایتکار

اسلامی از جمله شاپور، پاسارگاد، منفی یک وزارت کشور، حر، عشرت آباد، زیر زمین اداره اطلاعات، میدان هفت تیر و ... اصلاح طلبان حکومتی در اواخر تیر ماه طرحی برای تحقیق در این مورد ارائه دادند که با تشدید مبارزات توده ای و ترس اصلاح طلبان از سرنگونی رژیم و رو شدن شراکت آنان در سرکوب های مردمی این طرح با توافق آنان تا پایان سال 88 کش داده شد. با شروع طرح بررسی بودجه کشور به بایگانی سپرده شد. برخلاف توهم لیبرالها و خرده بورژوا ها به اصلاح طلبان، آنان شریک جنایت رژیم در تمامی عرصه ها بوده وهستند. تا آنجا درگیر می شوند که عرصه چپاول و غارت از طرف جناح رقیب تنگ شده و باصطلاح جناح دیگری می خواهد تک خوری کند اساس نظام سرمایه داری در بهره کشی و سرکوب بنا شده است. مخصوصاً وقتی در مرحله سرنگونی و بحران قرار می گیرد تمامی تعارفات را کنار گذاشته با چهره کریه و عریان خود وارد می شود. به غیر از انقلاب سوسیالیستی و نابودی قهر آمیز هیچ راهی برای رسیدن به سعادت و آزادی مردم وجود ندارد.

8) در حالی که برای دریافت یک وام یک میلیون تومانی باید 4 ضامن و 3 برابر آن چک و سفته داده شود. با سپردن تمامی ارگانهای اداری به سپاهیان و اطلاعاتی ها در دولت نایب امام زمان که با احمدی نژاد در ارتباط است. و با شعار برای تعجیل در ظهورش و اجرای عدل و داد، فرزندان صالحش دزدی، قتل، غارت، تجاوز را به حد نهایی خود رسانده اند. 50 میلیارد دلار (50 هزار میلیارد تومان) پول زبان بسته را مفسدین رده بالای حکومتی از سرداران سپاه تا آیت الله ها، پسران و دختران، نواده هایشان برداشت نموده اند. به طوریکه با سرعت تمام قانونی

تصویب نمودند که کسی بیش تر از 15 میلیون تومان حق برداشت از بانک ها را ندارد. چرا که نقدینگی بانک ها به طرز وحشتناکی به کمترین مقدار ممکن رسیده است. یا همان اصطلاح معروف (کفگیر ته دیگ خورده است).

چنین افتضاحی فقط در کشور نایب امام زمان امکان پذیر است که در فحشاء، فروش قانونی کلیه، اعتیاد، افسردگی مردم، فروش زنان و دختران و ... رتبه اول را داشته باشد. همچنین در پس ندادن پول بانک ها نیز (با آمار 25 درصد از کل پول بانک ها) رده اول دنیا می باشد. با توجه به اینکه یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است 80 درصد جمعیت، زیر خط فقر، 20 میلیون گرسنه مطلق در جمهوری مقدس اسلام ناب محمدی به برده گی یک مشت سرمایه دار انگل و زالو صفت در آورده شده اند. تنها راه رهایی، سرنگونی قهر آمیز و مسلحانه این مولد فساد از طریق انقلاب میلیونی کارگران و ستم دیدگان و برقراری حکومت شورایی سوسیالیستی کارگران است. که تمام امور تحت کنترل و اداره خود مردم و برای رفاه آنان باشد تا مردم مسلح از پایین بر تمامی نهادهای انتخاباتی خود نظارت داشته و بتوانند در عرض 24 ساعت بنا به صلاح دید آنها را عوض کنند.



نامه ای از یک رفیق

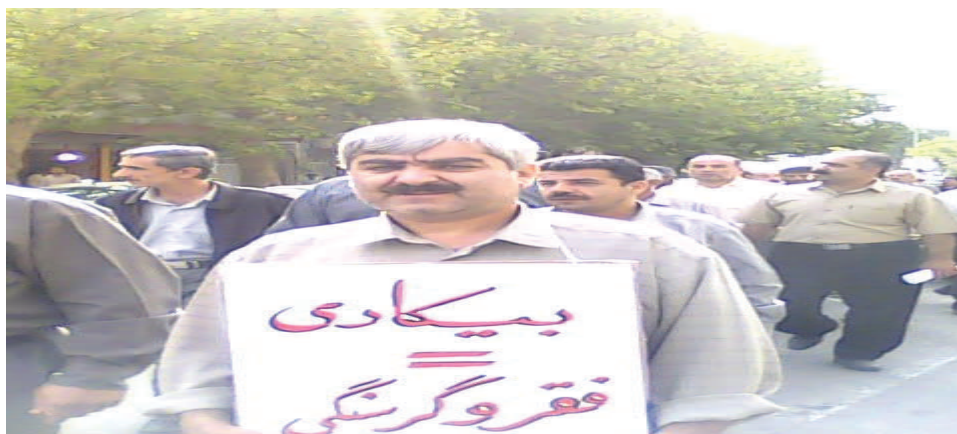
اوایل سال 89 تجمع کارگران معترض در مقابل استانداری اردبیل در پی عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب اعتراضی زدند. با توافق میان نمایندگان معترضین و استانداری بر حل سریع مشکل و پرداخت مطالبات کارگران قانع به ترک محل شدند.

همزمان در ایام سفر دولت به استان آذربایجان غربی سه شنبه هفدهم فروردین مردی تقریباً 50 ساله با در آوردن پیراهن خود در جلوی استانداری ارومیه برای مدتی توجه مردم را به خود جلب کرد. این مرد که خود را پدر پنج شهید می نامید خواست که مسئولین به مشکلاتش رسیدگی کنند که با دخالت نیروی انتظامی ماجرا پایان یافت. در اوایل اسفند، 88 شبکه مفاسد اقتصادی را دستگیر کردند که این شبکه بنام حلقه فساد اقتصادی در خیابان فاطمی است. رحیمی معاون احمدی نژاد در راس این مفاسد اقتصادی بود و سه نفر از اعضای این کمیته به نام های جابر ابدالی، الیاس محمودی و مسعودی که از اعضای این کمیته هستند دستگیر شدند.

در اواخر سال 88 دولت برای اجرای هدفمند کردن یارانه ها طرحی را به مجلس داده و مطرح کرد که باید نمایندگان مبلغ 40 هزار میلیارد تومان هزینه اجرایی در رابطه هدفمندی یارانه ها را به تصویب برسانند تا دولت این طرح را اجرا نماید. ولی مجلس 20 هزار میلیارد تومان برای هزینه اجرایی هدفمند کردن یارانه ها را تصویب کرد. به دنبال عدم تصویب پیشنهاد دولت درگیری شدیدی بین دولت و مجلس شدت یافت. سخنرانی احمدی نژاد در اول سال 89 در تلویزیون و تهدید نمایندگان مجلس درباره تصویب نکردن طرح دولت به اختلافات درونی دامنه وسیعتری داد. سرمایه داران داخل دولت با سرمایه دارا داخل مجلس بر سر تقسیم غنائم بدست آمده از هدفمند کردن یارانه ها (چپاول اموال عمومی) با رقابت شدید به جان هم افتاده اند. اما با مطرح کردن وحدت سه قوه توسط خامنه ای و حرکت در چهارچوب قانون به احمدی نژاد حکم کرده که باید هدفمند کردن یارانه ها با سرعت هرچه بیشتر اجرا گردد. در نتیجه با توافق روسای دو قوه 40 هزار میلیارد تومان تصویب شد و نشان داد که نمایندگان عروسی خیمه شب بازی بوده و مجلس صحنه نمایش است.

از طرفی دیگر هاشمی در دفاع از نظام نگرانی خود را درباره نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی و فاصله گرفتن آن ها از نظام صحبت می کند که در زمان خمینی عجله کردیم که قانون اساسی را زود به تصویب برسانیم در صورتی که می توانستیم با تامل بیشتر قانون اساسی بهتری را به تصویب و تدوین برسانیم.

البته هاشمی دروغ می گوید در زمان خمینی آنها نقشه داشتند قانون اساسی ضد انقلابی را زود به تصویب رسانده تا با استفاده از آن مخالفان خود را سرکوب کنند. قدرت را بدون رقیب بدست بگیرند و این نقشه از طریق کنفرانس گوادالوپ به آن ها دیکته شده بود. همین قانون اساسی ابزاری برای سرکوب و کشتار انقلابیون شد. و اگر زمان بیشتری برای بررسی قانون اساسی گذاشته می شد مردم هرچه بیشتر آگاه می شدند و هرگز این فاشیست ها را برای حاکمیت نمی پذیرفتند. به این دلیل است که عجله کرده اند.



درس های از اعتراضات سال 88

و

آنچه که برای مبارزه لازم داریم

سریع از هم خواهد پاشید. (در این مورد نیرو های موجود انقلابی باید هر چه سریع تر با اعتقاد به اولین اصل مارکسیسم (رهایی توده ها به دست خودشان) به سمت همگرایی حرکت کنند. در صورت تاخیر و از دست دادن فرصت بار دیگر سرمایه داری مهره های دیگری را به توده ها بخصوص طبقه کارگر تحمیل کرده و یک بار دیگر مبارزان انقلابی را به حاشیه خواهد راند.)

7- همچنین به تمامی مبارزان انقلابی ثابت شده است که هیچ بخشی از نظام مانند موسوی، کروبی، رفسنجانی و... قابل اعتماد نیستند. (درست زمانی که اعتراضات نیاز به رهبری داشت بخش های مختلف چه آنهای که ظاهراً از نظام جدا شده بودند و چه لیبرال های که در اطراف و اکنام نظام پرت می زنند و چه لیبرال های مقابل نظام و حتی جناح های مختلف سرمایه جهانی همگی تن به سازش دادند. چون اعتراضات در حال رادیکال شدن بوده و هر چه بیشتر به سمت انقلابی شدن حرکت می کرد.)

آنچه امروز لازم داریم؟

با توجه به سرکوب شدید اعتراضات توده ای توسط دولت و برنامه های نظام در اینکه تلاش کرد اعتراضات را از گستردگی و توده ای بودن خارج کند و به قشر ها و لایه های محدود تر، محدود نماید. در مقابل چنین طرح نظام آنچه لازم داریم هر چه توده ای تر و انقلابی تر کردن

توجه به نداشته هایمان قابل توجه هستند و می توان موارد زیر را ذکر کرد:

1- جامعه جهانی، طیف ها و لایه های مختلف و حتی جناح های مختلف دشمنان از جناح حاکم گرفته تا سرمایه داران بیرون نظام و سرمایه داری جهانی آمادگی عینی مبارزه انقلابی را درک کرده اند.

2- مردم بخصوص جوانان اعتماد بنفس برای سرنوشتی نظام بدست آورده اند. با توجه به گستردگی مبارزه عملی در میان توده ها، ترس از اذیت و آزار، حتی ترس از مرگ به وسعت زیادی از بین رفته است.

3- بسیاری از کارگران، جوانان، دانشجویان، زنان، معلمان و... پذیرفته اند که تشکیلات های انقلابی لازم، وجود ندارند و همچنین پذیرفته اند که بدون تشکیلات انقلابی امکان مبارزه درست و جهت دار و پیروزی وجود ندارد.

4- بسیاری از فعالان و مبارزان به ضعف تشکیلاتی خود پی برده اند.

5- جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتراضات سال گذشته از تمامی امکانات مادی و معنوی خود استفاده کرده است.

6- با توجه به نشانه اولیه فروپاشی در قسمت های مختلف نظام بخصوص سپاه، بسیج، وزارت اطلاعات و... شکاف در میان نیروهای نظام آنقدر زیاد شده است که اگر انقلابیون بتوانند فشار و اعتراضات تشکیلاتی و منظم را شروع کنند جمهوری اسلامی خیلی

با وجود وضعیت بحرانی رژیم تمامی طیف های فعال در جهت بدست آوردن آزادی، دموکراسی، مطالبات صنفی و اقتصادی و همچنین فعالان سیاسی با درجات مختلف با خواسته های تغییر مهره ها تا سرنوشتی در خطر دستگیری، شکنجه، زندان و اعدام قرار دارند.

هر چند نظام توانسته است با طرح جدید خود "مقابله نرم در مقابل جنگ نرم" تا حدودی وضعیت را برای خود بهتر کند و اعتراضات را جمع و جور نماید و به خیال خود ریشه های مخالفت را از بین ببرد یا حداقل تا مدتها به خشکاند اما آنچه فرود امروز نشان می دهد علامت صعود فردا با چندین برابر قدرت بیشتر و با جهت مشخصتر در آینده نزدیک است.

اوج گیری مبارزات طی سال گذشته به وضوح نشان دهنده به تاخیر افتادگی اعتراضات و حتی به تاخیر افتادگی سرنوشتی جمهوری اسلامی را در خود داشت و همچنین بطور شفاف ضعف رهبری انقلاب، ضعف تشکیلاتی، عدم وجود روحیه تشکیلی یابی و بدنبال آن عدم جهت یابی مطالبات و افق مبارزان، متناسب و هم قد و قواره عینیت انقلابی موجود را نشان داد.

علی رغم مساعد بودن اوضاع عینی برای مبارزات انقلابی انرژی ها در جهت رشد مبارزات و جهت یابی آن بیشتر هدر رفت و آنچه بدست آمد کمتر از هزینه های داده شده بود. البته آنچه بدست آمده نیز کم نیست و با

اعتراضات است.

از طرفی نظام حتی تشکل های نیم بند و علنی را که در مواقع لازم هرچند بسیار ضعیف کارهای را انجام می دادند از جمله کانون های صنفی معلمان ، کمپین زنان ، تشکل های روزنامه نگاران ، تشکل های مختلف دانشجویی ، کانون مدافعان حقوق کارگر ، کمیته های هماهنگی ، دفاع ، پیگیری ، سندیکا های شرکت واحد ، هفت تپه ، فلز کار ، تشکل های حقوق بشر و ... بدون نام بردن از آنها با دستگیری یا تحت تعقیب قرار دادن مهره ها و اعضای فعال و مهم ، آنها را کاملاً "فلج کرده است." که اگر اعتراضات گسترده و توده ای بار دیگر شروع شد هیچ تشکلی حتی همان تشکل های نیم بند نیز برای هدایت و جهت دادن وجود نداشته باشد. نتیجه می شود که تمامی تلاش نظام در مرحله اول برای از بین بردن هرگونه تشکل و روحیه تشکل یابی است که به تازه گی در میان مبارزان پیدا شده و هر روز بیشتر به سمت تشکیلات های مستحکم حرکت می کنند، است.

تمامی اعمال سرکوب نظام و نتایج آن نشان می دهد که تحلیل ما در رابطه با تشکل های علنی و احزاب کمونیست و سوسیالیست که به طبل علنی گرایی که ادامه همان خطوط مارکسیست های علنی قرن گذشته را یک می کشند درست بوده است در حاشیه بودن آنها در اعتراضات اخیر نشان داد که هرگز نمی توانند مبارزات انقلابی کارگران و توده های مردم را رهبری نمایند. بنابراین آنچه برای رهبری و هدایت مبارزات انقلابی لازم است حزب خاص طبقه کارگر است که نطفه های آن بر مبنای کمیته ها و هسته های مخفی انقلابی پایه گذاری شده باشد.

با توجه به چنین وضعیتی است که ما از تمامی رزمندگان و فعالان انقلابی و تمامی آنها که اعتقاد به وجود تشکیلات انقلابی دارند می خواهیم

ضمن ایجاد تلفیق میان مبارزات مخفی و علنی به حفظ تشکل های علنی پرداخته و اقدام به ایجاد هرچه سریعتر و متشکل شدن در هسته ها و کمیته های مخفی انقلابی بپردازند. ما از کارگران انقلابی می خواهیم با شجاعتترین ، جسور و منظم ترین رفیق خود در محل کار و در محل زندگی اقدام به تشکیل هسته های مخفی انقلابی کنند. و همچنین از جوانان دعوت می کنیم در محل زندگی و کار خود با توجه به شناختی که از دوستان و اطرافیان خود دارند اقدام به تشکیل هسته ها نمایند. از زنان ، دانشجویان و معلمان نیز دعوت می کنیم هرچه سریعتر با ایجاد هسته های انقلابی مخفی خود را برای مبارزه انقلابی آتی که هر لحظه امکان اوج گیری دارد آماده نمایند. زنان کارگر و زنان خانه دار و همچنین جوانان ورزش کار می توانند با جمع کردن دوستان و همسایگان اقدام به تشکیل هسته و کمیته های محلات نمایند. فراموش نکنیم که وقتی هسته ها و کمیته های مخفی انقلابی در میان توده های مبارز و انقلابی احاطه شده باشند هرگز ضربه نخواهند خورد و حتی اگر ضربه ای به آنها وارد شود بسیار سریع توسط توده های اطراف خود باز سازی خواهند شد.

پیش بسوی تشکیل هسته های انقلابی مخفی در کارخانجات، دانشگاه ها ، محلات ، مدارس و ادارات

هر رفیقی که به ضرورت مبارزات انقلابی پی برده باشد لحظه ای بدون فوت وقت حتی به تنهایی در محل کار و زندگی خود اقدام به جذب رفیق مورد اعتماد و مبارز خود کرده و با او اقدام به تشکیل هسته انقلابی می کند. مگر اینکه هنوز به آگاهی انقلابی و ضرورت مبارزه پی نبرده و یا ایمان به مبارزه نداشته باشد. چرا که اگر به آگاهی و ضرورت مبارزه پی برده باشد برای پیدا کردن راه حل و روش و سبک کار در تشکیل هسته

ها اقدام به مطالعه و کسب دانش و علم مبارزه می کند. هر گاه رفقای که دارای فکر و عمل مبارزه انقلابی (تئوری - پراتیک) در جهت سرنگونی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم باشند ، حتی دو نفره می توانند یک هسته انقلابی مخفی تشکیل داده و در جهت فعالیت انقلابی من جمله آگاه کردن و رهبری مبارزین محل زندگی و کار خود اقدام نموده و توده ها را با روش و سبک های گوناگون دعوت به مبارزه نمایند.

یک هسته انقلابی مخفی حداقل از دو نفر و حداکثر 5 نفر می تواند تشکیل شده باشد. البته اصولاً "هسته بهتر است دارای سه نفر عضو باشد اگر تعداد افراد انقلابی معتقد به مبارزه تشکیلاتی در محل بیش از سه نفر باشد بهتر است در چند هسته متشکل شوند و همچنین هسته ها نباید ارتباط عرضی باهم داشته باشند. ضمناً اعضای هسته های مختلف نباید همدیگر را بشناسند.

اعضای هر هسته باید متناسب با موقعیت و ضرورت کارشان جلسات منظم داشته باشند ، کار های که می توانند انجام دهند بررسی کرده بین خود تقسیم کار نمایند و در هر جلسه هر عضوی از انجام وظایف خود گزارش ارایه بدهد و ... در رابطه با وظایف گسترده هسته ها و همچنین جزئیات تشکیل شدنشان در شماره های قبلی نشریه مطالب بسیاری است که توصیه می شود رفقا آنها را مطالعه کنند. و به دیگر دوستان مورد اعتماد خود نیز بدهند. البته ما نیز در آینده از طریق نشریه و جزوه ها اقدام به نشر اصول تشکیلاتی ، وظایف و سبک کار هسته و کمیته ها و ارتباط هسته ها با هم خواهیم پرداخت.

سرمایه داری

و

مسکن، انقلابات رنگین، زلزله، ورشکستگی

احمدی نژاد رئیس جمهوری
نظام فاشیستی گفته است : تا
پایان دولت دهم هیچ کس دغدغه
مسکن نخواهد داشت.

آیا واقعا" نظام فاشیستی - اسلامی سرمایه داری چنین قدرت و چنین هدفی را دارد؟

با توجه به اینکه سرمایه داری حتی در حد جهانش برای حل مشکل مسکن توانایی ندارد و حتی قصد آن را نیز ندارد و همچنین منافع و سود سرمایه داری در وجود تضادهای و اختلافات اقتصادی نهفته است. ارباب بزرگ سرمایه داری و حامی پنهان سرمایه داری ایران با تمام قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی به سختی دچار مشکل مسکن است به طوری که در اخبار روز شاهد هستیم، طی دو سال گذشته 3 میلیون واحد از خانه های مردم امریکا به خاطر بحران اقتصادی که حاصل وجود نظام سرمایه داری است به دلیل عدم توان پرداخت اقساط وام های مسکن توسط بانکهای امریکا مصادره شده است این در حالی است که دولت امریکا در تلاش برای جلوگیری از مصادره خانه ها توسط بانکها فقط در یک نوبت 700 میلیارد دلار به بانکها و موسسات اعتباری باج داده است اما باز هم نتوانسته اقتضای بحران ساختاری سرمایه داری را پنهان کند چه رسد به اینکه آن را حل نماید. حال احمدی نژاد این کوتوله سیاسی با وجود باند های غارت و چپاول در نظام اسلامی و طرحها و قوانین (از جمله طرح حذف یارانه ها، خصوصی و آزاد سازی اقتصاد، خصوصی کردن آموزش و پرورش و آموزش عالی، پولی کردن

خدمات درمانی و بهداشتی و تامین اجتماعی و...) که چهار نعل به سمت هرچه بیشتر غارت ثروت عمومی می تازند چگونه چنین یاره سرای را سرمی دهد؟ جواب را باید در حماقت اسلامی آن جستجو کرد. و جالبتر است بدانیم که تمام امید این فاشیستها در تبلیغات دورغین خود به نمایشنامه مسکن مهر تکیه داشتند که آن نیز گندش بالا آمده و پرونده رشوه خواری و چپاول در شرکتهای ذی نفع و ذی ربط مسکن مهر شروع شده و افراد بسیاری در حال دستگیری هستند. بنابراین نتیجه می شود که جمهوری اسلامی نمی تواند مشکل مسکن را حل کند اما این نظام یک کار را خوب بلد است و آن هم زندانی کردن مردم است بنابراین منظور احمدی نژاد این است که تا پایان دوره دهم تمامی مردم را دستگیر کرده و در سلول های زندان سکونت می دهند بنابراین مشکل مسکن حل می شود چون زندانی دغدغه مسکن را ندارد بلکه او دغدغه آزادی را دارد در نتیجه حل دغدغه مسکن برابر با گسترش دغدغه نداشتن آزادی است که در ایران این مورد بسیار بارزتر است. حال که ایرانی ها هم دچار دغدغه مسکن هستند و هم دچار دغدغه آزادی.

در اندیشه و درک حاکمان جمهوری فاشیستی - اسلامی از آزادی و حل دغدغه مسکن این است که مردم برای حل مشکل مسکن آزاد هستند به زندان بروند.

باد آورده را باد می برد:

تحولات و تغییر حکومت ها در کشورهای که از طریق "انقلابات"

رنگین سرکاری آیند بسیار سریع و ناگهانی اتفاق می افتد چون حکومت های آنها بر مبنای خواست مردم روی کار نیامده اند و در واقع یک کاریکاتوری از حکومت هستند که از طریق فشار های پشت پرده، تبلیغات صوری و فریب کارانه رسانه ها و بی پایه و اساس عمیق اجتماعی از طرف سرمایه داری با بهانه حمایت و گسترش دموکراسی به مردم تحمیل می شوند به همین دلیل نیز اساسا" پایگاه اجتماعی قابل تکیه ندارند و خیلی زود بدون اینکه در عمق و متن جامعه جای بگیرد به صورت باد آورده بر باد می روند. و هیچ اثر قابل توجهی نیز به جای نمی گذارد. موضوع "انقلاب لاله" در قرقیزستان نیز از این دست بوده است و البته با وضعیتی که جهان دارد از جمله اعتراضات رو به رشد، شدت یابی تضاد طبقاتی عمیق کار و سرمایه در عمق و ژرفای لایه های زیرین جامعه در حال غلیان و جوشش است که نتایج و حاصل آن با نمود های (از جمله درگیری در مصر، اعتراضات شدید در تایلند، شکست انقلاب رنگین در قرقیزستان، اعتراض نوری مالکی به سفرهای مقامات عراق به ریاض، جنگ و نا آرامی در عراق و افغانستان، مبارزات دامنه دار و مستمر مردم یونان، فرانسه، انگلیس و ... بر علیه سرمایه داری، رشد مبارزات در کشورهای امریکای لاتین و تمایل مردم به احزاب کمونیست، اعتراضات انقلابی کارگران و مردم ایران علیه نظام اسلامی، مبارزات مردم پاکستان، نپال و ... همه گی نشان از یک برآمد اعتراض انقلابی در سطح جهان با شدت بسیار قوی در آینده را

دارد که باید کمونیست ها و کارگران انقلابی خود را برای رهبری انقلاب آماده کنند. (دیده می شود با توجه به وضعیت فوق باید در انتظار شکل گیری و صعود دوره جدید انقلابات کارگری با شدت و دقت بیشتر از دو قرن گذشته باشیم که البته نمود های پیش در آمد آن دیده می شوند.

از طرفی در ظاهر قضیه گرانی ، تورم در بسیاری از کالاهای مورد نیاز مردم اولین جرقه های نابودی و شکست "انقلابات" رنگین را همچون گرانی برق، آب، گاز و... در قرقیزستان زده می شود اما موضوع بسیار مهمتر از این است تمامی پروژه های "انقلابات" رنگین برای افزایش سود سرمایه راه اندازی می شوند تا از طریق آنها هم بتوانند روحیه انقلابی طبقه کارگر و لایه های مختلف طبقه متوسط را به صورت ساختگی و دورغین ارضاع کنند و از فرصت های بدست آمده خصوصی سازی و حمله به داشته های مردم و افزایش سود سرمایه را هرچه بیشتر امکان پذیر نمایند. همچنین پروژه روی کار آورده شدن "انقلابات" رنگین و پروسه شکست آنها سازکاری است که برای سرمایه داری فرصت می خرد و همینطور مانند درجه اطمینانی عمل کرده با عث می گردد انقلاب کارگری (انقلاب سرخ) هرچه بیشتر به عقب انداخته شود.

در تمامی این "انقلابات" رنگین از شعارهای مربوط به کمبود ها، گرانی و تورم، فساد اقتصادی، اخلاقی، رشوه خواری، تقسیم مناصب بین آشنایان و فامیل ها، بیکاری، دیکتاتوری، نبود آزادی و دموکراسی و... که تماما از محصولات نظام سرمایه داری است استفاده می کنند اما نه تنها نمی توان چنین مشکلات ریشه ی را که ریشه در موجودیت سرمایه داری دارد با "انقلابات" رنگین که صوری و ساختگی هستند حل کرد بلکه سرمایه داری نه توان و نه قصد

حل آنها را ندارد چون دو هدف را از این "انقلابات" دنبال می کند یک افزایش سود سرمایه، دو فریب توده ها و عقب انداختن انقلاب واقعی. بنابراین "انقلابات" رنگین پس از ایجاد شدن بی پایه و بی اساس بودنشان خیلی زود بر ملا شده و مانند کف روی آب محو می شوند.

لازم به ذکر است که تمامی فساد ها و کمبود های نامبرده چون از محصولات ذاتی موجودیت سرمایه داری است بنابراین هرگز با انقلابات ساختگی از بین نمی روند بلکه فقط انقلاب واقعی کارگری که با ریشه کن کردن سرمایه داری، ریشه ها و ساختار باز تولید کننده فساد ها و کمبود ها را از بین خواهد برد.

علائم شکست و بحران ساختاری سرمایه داری همچنان ادامه دارد.

8 بانک دیگر به تعداد بانکهای ورشکسته آمریکا طی سال 2010 اضافه شدند و طی همین سال جاری تعداد بانکهای ورشکسته آمریکا به 50 بانک رسید و همچنین در سال 2009 نیز 140 بانک ورشکسته شده بودند. در همین حال رشد نرخ بیکاری نشان دهنده مکمل پیام ورشکستگی بانک ها است. این پیام یعنی شدت یابی بحران ساختاری سرمایه داری است و مورد بعدی که پیام فوق را قوی تر می کند رشد شتابان بدهکاری کشور های بزرگ و پیشرفته سرمایه داری است که هر سال بیشتر باعث می گردد تا توان این کشور ها در امکان پرداخت بدهیها کمتر شود این موارد تکمیل کننده پیام فرو پاشی نظام سرمایه داری هستند. صدای ناقوس مرگ سرمایه داری از کشور های متروپل هر روز بیشتر به گوش می رسد.

موضوع زلزله در تهران و فریب مردم

امروز ها متصدیان خرافات با دانشمندان خود فروخته و حاکمان ضد مردمی تلاش دارند با بهانه قراردادن زلزله مردم را فریب داده با یک تیر دو نشان بزنند اول

اینکه سود هنگفتی با تخلیه شدن تهران به جیب بزنند و دوم اینکه خطر سرنگونی جمهوری فاشیستی - اسلامی را که در فکر تهرانی ها است خنثی نمایند.

اولا "احتمال زلزله نه امروز بلکه قرنهایست وجود دارد هیچ وقت نمی توان از وقوع یا عدم وقوع آن اطمینان داشت. دوم اینکه زلزله های قوی در مناطق اطراف دور تهران سابقه دارد ولی در حومه نزدیک و خود تهران در تاریخ نمونه ندارد اما زلزله های کم قدرت که خود آنها درجه اطمینان هستند در تاریخ عمر تهران بسیار ثبت شده اند که البته وقوع آنها خود برای جلوگیری از زلزله های شدیدتر بسیار مثبت است. اگر از احتمالات وقوع یا عدم وقوع زلزله که نه تنها برای تهران بلکه برای هیچ نقطه ای از جهان نمی توان با اطمینان جواب داد بگزیم به این سوال می رسیم.

مجموعه جمهوری اسلامی که دشمن واقعی و سرسخت انسان های زنده است و مرده پرست بوده و همیشه تلاش کرده است از مظلومیت مرده ها برای خود نان و نوایی بدست آورد چرا سنگ نجات مردم را از بلای زلزله با این شدت به سینه می زند؟

اینجاست که می گویم حتما "کاسه ای زیر نیم کاسه است. فرض بپذیرید در تهران که آتشفشانی در جوشش زیر خاکستر بر علیه نظام فاشیستی - اسلامی است زلزله به بزرگی 5الی 8/5 ریشتر اتفاق بیافتد احتمال 100000الی 400000 هزار کشته و بیش از یک میلیون زخمی همچنین بیش از 4 الی 6 میلیون آواره بوجود بیاید دور از ذهن نیست. صد البته اثرات این زلزله به مردم حد اقل دو دهه تاثیر عمیق خواهد گذاشت ولی پس از حدود دو دهه التیام می یابد. اما پس از چنین زلزله جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت تا پس از دو دهه زخمهای التیام پیدا کند با وجود خشمی که مردم از این نظام فاشیستی دارند تمامی زباله های جمهوری اسلامی به آتش کشیده خواهند شد.

مردم تهران را خالی نمی کنند تا حاکمان فاشیست نفس راحتی بکشند. خالی نمی کنند تا شاید از طریق اثرات زلزله بتوانیم فاشیسم را نابود کرده ایران را نجات بدهیم ولو با به جان خریدن خطر زلزله.

کمک های مالی

کمک های نقدی رفقای که نامشان در زیر می آید بدست ما رسید
ضمن اینکه دست رفقا را به گرمی و رفیقانه می فشاریم همچنان از
تمامی رفقا و رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم انتظار داریم کمک
های نقدی و غیر نقدی خود را از هر روش ممکن و مطمئن که می
دانند به دست ما برسانند.

1480000 ریال	رفقا عباس،حمید ، زهره ،اکرم و احمد از تهران
920000 ریال	رفیق توماج از ترکمن صحرا
530000 ریال	رفقا قدرت،حسین و اصغر گیوی از اردبیل
860000 ریال	رفقا روژان ، شیوا و سحر از سقز
220000 ریال	رفیق حسن زاده از تبریز
380000 ریال	رفیق شیرازادی از ارومیه

سرنگون با جمهوری اسلامی

سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض

ما باهم متحد می شویم	تا بر کنیم ریشه استبداد
زندانی سیاسی	خامنه ای فاشیست
شکنجه و اعدام	پلیس سرکوب
بسیجی قاتل	تا مرگ استثمار
وزارت شکنجه	تا مرگ ولایت
کارگر، معلم ، دانشجو	خامنه ای قاتله
تا مرگ فاشیست	مرگ ولایت
سپاهی ، بسیجی	مرگ بر فاشیست
ولایت فقیه الاغه	ولایت فقیه مساوی
آزادی برابری	حکومت کارگری

عامل هر جنایت ولایت ولایت

جشن ملت	شکست ولایت	انقلاب و دزدیدند	کشور و چاپیدند
1- استبداد نابود است	انقلاب پیروز است	13- پاسدار اگر خلقیه	کشتن مردم چیه ؟
2- پاسدار جنایت می کند	رهبر حمایت می کند	14- خصوصی سازی ملغی باید گردد	
3- زندانی سیاسی آزاد باید گردد	شکنجه و و اعدام ملغی باید گردد	15- اتحاد مبارزه پیروزی	
4- آزادی، برابری، حکومت کارگری		16- رهبر به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی	
5- تنها راه رهایی حکومت شورایی		17- سپاهی ، خامنه ای حیا کن قدرت رها کن	
6- برابری ، برادر ، حکومت کارگری		18- آموزش و درمان رایگان اجرا باید گردد	
7- نان، مسکن، آزادی		19- آقا چلاغه بمریه	بسیجی عزا بگیره
8- حساب بانکی افشا باید گردد		20- انقلاب پیروز است	ولایت نابود است
9- حکومت نظامی نابود باید گردد	حکومت شورایی ایجاد باید گردد	21- این است شعار ملت	مرگ بر ولایت
10- این شعار هر ایرانیه	مسکن ، درمان ، آموزش مجانیه		
11- تفتیش و سانسور ملغی باید گردد	بسیجی مزاحم اخراج باید گردد	22- خامنه ای منقل اوستنه یاتپدی	قورخی جانین آلپدی
12- بسیجی ، پاسدار ننگ به نیرنگتان ، خون جوانان ما می چکد از چنگتان			
آزادی برابری شعار ماست		مرگ ولایت افتخار ماست	

کارگر پیروز است سرمایه دار نابود است
بر قرار باد سوسیالیسم